

دانشگاه پیامبر اعظم

Aranjani.Org

عنوان پودمان :

تشویق و تنبیه

آرین آرانی

بهمن ۱۳۸۶

عنوان پودمان :

تشویق و تنبیه در آموزش و پرورش

مروری بر محتوا

محتوای این پودمان شامل : نظریه ها ، باید ها و نبایدهای تشویق و تنبیه است .

تعداد واحد و زمان

۱ واحد نظری (هر جلسه ۲ ساعت آموزشی) مجموعاً ۱۶ ساعت آموزشی .

پیش نیاز

آشنایی با روان شناسی تربیتی

اهداف پودمان :

ایجاد توانایی های پایه ای آشنایی با نظریه ها و کاربرد روشهای تشویق و تنبیه است .

نتایج پودمان

انتظار داریم در پایان دوره دانشجویان قادر باشند :

حسب نظریه ، تشویق و تنبیه و تاثیر آن بر یادگیری را توضیح دهند .

حسب نظریه ، مثالهایی از تشویق و تنبیه موجود در مدارس را معرفی کنند .

متناسب با گروه سنی و موقعیت فرضی روش معرفی کنند .

معرفی مختصر بخش ها

۱) آرای اندیشمندان ایرانی و مسلمان

۲) دیدگاه های صد سال اخیر (شرطی سازی)

۳) دیدگاه های صد سال اخیر (غیر رفتاری) .

۴) روشهای تشویق و تنبیه و آثار آنها .

رویکرد :

رویکرد بر اساس مدرسه دوستدار کودک : توجه به تفاوت های فردی ، تنوع روش های یادگیری و تکالیف ، تنوع متون ، مشارکت در حل

مسائل ، تنوع ارزیابی

کارگروهی ، اکتشاف دانش های قراردادی ، روش توضیحی همراه با نمایش ، بازخورد دادن و گرفتن ، تفکر نقادانه ، گزارش دهی ،

مشارکت در ارزشیابی ، خود ارزشیابی

سنجش کلاسی طی دوره

پرسش های شفاهی از کلاس . هدف : ارزیابی مداوم و توجه به تفاوت های فردی ، انعطاف پذیری زمان

بررسی برگه خود ارزیابی دانشجویان . هدف : تنوع پاسخدهی ، توجه به تنوع تعابیر ، توجه به آثار پنهان جو کلاسی و جو یادگیری ،

توجه به آمادگی و علائق

نقد و داوری سایر دانشجویان از کار افراد . هدف : تفکر انتقادی ، توجه به تنوع تعابیر

مشاهده کار گروهی . هدف : توجه به تفاوت های فردی و مشارکت

رویکرد ارزشیابی در طول دوره اصلاحی و مبتنی بر بازخورد است. برگه خود ارزشیابی قابل نمره گذاری نیست. مشاهدات برای هدایت و بازخورد به کار گرفته می شود.

ارزشیابی پایانی

پوشه کار گروهی و میزان مشارکت هر فرد در آن و آزمون کتبی است. ملاک قبولی: کسب % ۶۰ درصد نمره کامل است.

ارزشیابی تدریس و برنامه

مشاهده در طول دوره انجام می شود. بررسی پاسخ هایی ارائه شده در کارهای گروهی بازبینی و بررسی پوشه های کار دانشجویان. بررسی کلی ارزشیابی های فردی دانشجویان از کلاس، محتوا و... اطلاعات لازم را برای شناسایی نقاط قوت و ضعف تدریس فراهم می کند. تجزیه و تحلیل سواهای آزمون کتبی و برنامه های تدوین شده به منظور اصلاح نتایج، رفع کاستی های آموزش در نیمسال بعدی

منابع و مأخذ: الفبایی

- بیابانگرد، اسماعیل. روان شناسی تربیتی، روان شناسی آموزش و یادگیری. نشر ویرایش. ۱۳۸۴
- بیلر، رابرت. کاربرد روان شناسی در آموزش. ترجمه پروین کدیور. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۱
- سیف، علی اکبر. روان شناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش (ویراست نو). انتشارات آگاه. چاپ پانزدهم. ۱۳۸۵
- صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۱. چاپ ششم
- صدیق، عیسی. سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۳۲
- صدیق، عیسی. روش نوین در آموزش و پرورش. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۳۷. چاپ یازدهم
- اعرافی، علیرضا و فتحعلی خانی، محمد و فصیحی زاده، علیرضا و فقیهی، علی نقی و آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. سمت ۱۳۷۷. جلد ۱
- بهشتی، محمد و ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی نقی. آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. سمت ۱۳۷۷. جلد ۲
- رفیعی، بهروز. آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. سمت ۱۳۷۷. جلد ۳
- کدیور، پروین. روان شناسی تربیتی. سمت. ۱۳۸۲
- لفرانسوا، گای آر. روان شناسی برای معلمان. ترجمه هادی فرجامی. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۸۰
- لطف آبادی، حسین. روان شناسی تربیتی. سمت. ۱۳۸۴
- هرگنهان، بی آر و السون، متیو اچ. مقدمه ای بر نظریه های یادگیری (ویرایش هفتم). ترجمه علی اکبر سیف. نشر دوران. ۱۳۸۵

بخش یکم دو جلسه : ۴ ساعت آموزشی

عنوان : آرای اندیشمندان ایرانی و مسلمان

شرح عنوان :

در این بخش آرای اندیشمندان ایرانی و مسلمان در زمینه تشویق و تنبیه به اجمال مورد توجه قرار می گیرد .

نتایج یادگیری

در پایان آموزش دانشجویان باید بتوانند :

- الف) دیدگاه و نظرات اندیشمندان مسلمان را درباره تشویق و تنبیه توضیح دهند .
- ب) دیدگاه و نظرات اندیشمندان مسلمان درباره تشویق و تنبیه را با شرایط حال ، مقایسه کنند .

فعالیت ها

فعالیت ۱-۱: آشنایی با آراء

شرح فعالیت : شرکت کنندگان در جلسه در گروههای پنج نفری پیوست ۱ را مطالعه می کنند .

فعالیت ۱-۲: نقد آراء اندیشمندان مسلمان .

شرح فعالیت : گروه ها نقد و تحلیل خود از آرای اندیشمندان مسلمان را به کلاس گزارش می کنند .

رویکرد :

توضیحی ، بحث فردی ، تعامل گروهی . مشارکت دانشجویان در ارزشیابی و خود ارزشیابی

فعالیت خارج از کلاس :

توجه فعالیت های زیر را در برگه A۴ انجام داده و در یک پوشه برای ارزیابی نگهداری کنید .

الف) هر گروه تحلیل و نقد خود را پانویس کرده و برای ارزشیابی پایانی حفظ می کند . ب) به صورت فردی مقاله ای در دو صفحه با عنوان "تشویق و تنبیه چگونه می تواند به بهتر شدن شرایط یاددهی _ یادگیری کمک کند ." تهیه کند

سنجش کلاس و ارزیابی تدریس :

ارزشیابی تکوینی ، گفتگو ها و پرسش های کلاسی ، برگه خود ارزیابی و بازخوردهای آن ، پوشه کار ، توصیه می شود چک لیست مشاهده فعالیت افراد در گروه به موارد فوق اضافه گردد .

بخش دوم یک جلسه : ۲ ساعت آموزشی

عنوان: دیدگاههای صد سال اخیر (شرطی سازی)

شرح عنوان :

در این بخش تشویق و تنبیه با محوریت شرطی سازی کلاسیک و کنشگر و نظرات اسکینر به اجمال مورد توجه قرار می گیرد.

نتایج یادگیری

در پایان آموزش دانشجویان باید بتوانند :

- الف) دیدگاه و نظرات شرطی سازی ها را درباره تشویق و تنبیه توضیح دهند .
ب) دیدگاه و نظرات شرطی سازی درباره تشویق و تنبیه را با شرایط حال ، مقایسه کنند .

فعالیت ها

- فعالیت ۱-۲: آشنایی با آراء
شرح فعالیت : شرکت کنندگان در جلسه در گروههای پنج نفری پیوست ۲ را مطالعه می کنند .
فعالیت ۲-۲: نقد شرطی سازی ها .
شرح فعالیت : گروه ها نقد و تحلیل خود از شرطی سازی را به کلاس گزارش می کنند .
فعالیت ۳-۲: مثالهایی از شرطی سازی در کلاس .
شرح فعالیت : گروه ها مصادیقی از شرطی سازی در کلاس گزارش می کنند .

رویکرد :

توضیحی ، بحث فردی ، تعامل گروهی . مشارکت دانشجویان در ارزشیابی و خود ارزشیابی

فعالیت خارج از کلاس :

توجه فعالیت های زیر را در برگه A۴ انجام داده و در یک پوشه برای ارزیابی نگهداری کنید .
الف) هر گروه تحلیل و نقد خود را پاکنویس کرده و برای ارزشیابی پایانی حفظ می کند . ب) به صورت فردی خاطره ای از "تشویق و تنبیه" تهیه کند

سنجش کلاس و ارزیابی تدریس :

ارزشیابی تکوینی ، گفتگو ها و پرسش های کلاسی ، برگه خود ارزیابی و بازخوردهای آن ، پوشه کار ، توصیه می شود چک لیست مشاهده فعالیت افراد در گروه به موارد فوق اضافه گردد .

بخش سوم یک جلسه : ۲ ساعت آموزشی

عنوان : دیدگاه های صد سال اخیر (شناختی)

شرح عنوان :

در این بخش تشویق و تنبیه با محوریت دیدگاههای غیر رفتاری به اجمال مورد توجه قرار می گیرد .

نتایج یادگیری

در پایان آموزش دانشجویان باید بتوانند :

- الف) دیدگاه و نظرات غیر رفتاری را درباره تشویق و تنبیه توضیح دهند .
ب) دیدگاه و نظرات غیر رفتاری را درباره تشویق و تنبیه ، با شرایط حال ، مقایسه کنند .

فعالیت ها

- فعالیت ۱-۳: آشنایی با آراء
شرح فعالیت : شرکت کنندگان در جلسه در گروههای پنج نفری پیوست ۳ را مطالعه می کنند .
فعالیت ۲-۳: نقد دیدگاههای غیر رفتاری .
شرح فعالیت : گروه ها نقد و تحلیل خود از روشهای غیر رفتاری را به کلاس گزارش می کنند .
فعالیت ۳-۳: مثالهایی از روشهای غیر رفتاری در کلاس .
شرح فعالیت : گروه ها مصادیقی از تشویق و تنبیه بر پایه دیدگاههای غیر رفتاری ، به کلاس گزارش می کنند .

رویکرد :

توضیحی ، بحث فردی ، تعامل گروهی . مشارکت دانشجویان در ارزشیابی و خود ارزشیابی

فعالیت خارج از کلاس :

- توجه فعالیت های زیر را در برگه A۴ انجام داده و در یک پوشه برای ارزشیابی نگهداری کنید .
الف) هر گروه تحلیل و نقد خود را پاکنویس کرده و برای ارزشیابی پایانی حفظ می کند

سنجش کلاس و ارزیابی تدریس :

ارزشیابی تکوینی ، گفتگو ها و پرسش های کلاسی ، برگه خود ارزیابی و بازخوردهای آن ، پوشه کار ، توصیه می شود چک لیست مشاهده فعالیت افراد در گروه به موارد فوق اضافه گردد .

بخش چهارم یک جلسه : ۲ ساعت آموزشی

عنوان: روش های تشویق و تنبیه

شرح عنوان :

در این بخش شیوه های تشویق و تنبیه به اجمال مورد توجه قرار می گیرد .

نتایج یادگیری

در پایان آموزش دانشجویان باید بتوانند :
الف) نقش تشویق و تنبیه را به عنوان ابزار مدیریت کلاسی و یادگیری توضیح دهند .
ب) روش های تشویق و تنبیه را نقد کنند.

فعالیت ها

- فعالیت ۱-۴: آشنایی با آراء
شرح فعالیت : شرکت کنندگان در جلسه در گروههای پنج نفری پیوست ۴ را مطالعه می کنند .
- فعالیت ۲-۴: شناسایی تشویق و تنبیه .
شرح فعالیت : گروه ها نقد و تحلیل خود از تشویق و تنبیه در مدیریت کلاسی و یادگیری را به کلاس گزارش می کنند .
- فعالیت ۳-۴: مثالهایی از روشهای تشویق و تنبیه در مدرسه و کلاس .
شرح فعالیت : گروه ها مصادیقی از تشویق و تنبیه ، به کلاس گزارش می کنند .

رویکرد :

توضیحی ، بحث فردی ، تعامل گروهی . مشارکت دانشجویان در ارزشیابی و خود ارزشیابی

فعالیت خارج از کلاس :

توجه فعالیت های زیر را در برگه A۴ انجام داده و در یک پوشه برای ارزیابی نگهداری کنید .
الف) هر گروه تحلیل و نقد خود را پاکنویس کرده و برای ارزشیابی پایانی حفظ می کند

سنجش کلاس و ارزیابی تدریس :

ارزشیابی تکوینی ، گفتگو ها و پرسش های کلاسی ، برگه خود ارزیابی و بازخوردهای آن ، پوشه کار ، توصیه می شود چک لیست مشاهده فعالیت افراد در گروه به موارد فوق اضافه گردد .

مدت : حداکثر ۲ ساعت

ارزشیابی پایانی

شرح عنوان :

این جلسه به فعالیت ارزشیابی اختصاص دارد .

هدف :

هدف از اجرای آزمون بررسی میزان تحقق انتظارات دوره و بررسی وضعیت دانش آندوخته شده در طول پودمان و رده بندی دانشجوین و تصمیم گیری برای ارتقای آنان است .

نتایج یادگیری :

در پایان آموزش دانشجوین باید بتوانند :
الف) حداقل به ۶۰ درصد سوالات آزمون پاسخ صحیح دهند .
ب) پوشه خود را بازنگری کرده و جهت ارزیابی نهایی در اختیار مدرس دوره قرار دهند .

فعالیتها:

فعالیت ۱-۵ : اجرای آزمون
شرح فعالیت : هر فرد به طور مستقل به سوالات آزمون پاسخ می دهد .
فعالیت ۲-۵ : بازنگری و تکمیل پوشه کار
شرح فعالیت : گروه ها فرصت دارند تا طرح خود را بازنگری و در صورت لزوم ، اصلاح کنند .

ملاک ارزشیابی

گروهی ۴۰ امتیاز

نمره ممتاز ۴۰-۳۵ : طرح کاملی که خوب سامان داده شده باشد ، وضع ظاهری خوشایند ، رعایت اصول نگارش ، محتوایی فراتر از انتظارات و اهداف دوره را نشان دهد .
نمره خیلی خوب ۳۵-۳۰ : پوشه کامل ، خوب سامان داده شده ، وضع ظاهری مطلوب ، ارائه کارهایی صحیح در حد خواسته دوره ، ارائه شواهدی که نشاندهنده اصلاح نقاط ضعف باشد . نقدهایی که با حوصله و دقت انجام شده باشد .
نمره خوب ۳۰-۲۵ : پوشه کامل ، خوانا ، وضع ظاهری قابل قبول ، اصلاح حداقل ۶۰ درصد نقائص . سهم داشتن در اصلاح پوشه دیگران
نمره ضعیف : پوشه کامل ، وضع ظاهری نامطلوب ، کارهای اصلاح نشده ، داوری هایی ضعیف

فردی ۵۰ امتیاز

آزمون ۶۰ امتیاز دارد .

مشارکت در کار گروهی و کلاس ۱۰ امتیاز

بر اساس ثبت مشاهدات کلاس مدرس دوره

پیوست ۱: تعاریف و مفاهیم

بحث تشویق و تنبیه بحثی تازه و جدید نیست. قبل و بعد از اسلام، آراء و نظریه های زیادی در این باب وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید (سوره بقره) می فرماید: "ای پیامبر به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند بشارت بده که جایگاه آنان در قیامت، باغستان هایی است که نهادهای آب در آن جاری است." حضرت علی علیه السلام در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر که او را به فرمانروایی مصر برگزیده بود، دستور می دهد: که مبدا نیکوکار و بدکردار پیش تو یکسان باشند، زیرا چنین روشی نیکوکار را از کردار نیک دور ساخته و بدکردار را به کار بد سوق می دهد.

تشویق و تنبیه (استنباطی از حضرت علی علیه السلام)

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: "چه بسا افرادی که به سبب تعریف و تمجید مغرور می شوند" و "در مدح کسی زیاده روی و مبالغه مکن." امیرمؤمنان علی (ع) فرموده اند: ضادوا القسوه بالرفقه: از راه نرمی و مدارا با سخت دلی بستیزید. ضادوا الاساءه بالاحسان: به وسیله نیکی با بدی بستیزید، از این رو است که امیرمؤمنان علی (ع) در حکمتی نورانی این چنین فرموده است: گنهکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن. در سخنان امیرمؤمنان (ع) وارد شده است: نفس های خود را به سوی بهشت مشتاق کنید. به فرموده آن امام همام علی (ع): همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می دهد، پس هر کس آن را واگذارد، او را به سوی گناهان می کشاند، کسی که با خوشرفتاری اصلاح نشود، با خوب کیفر کردن اصلاح می شود.

آداب تشویق:

در اینجا به بعضی از آداب تشویق اشاره می کنیم: الف) تشویق باید به فعل و عمل و صفت نیک شخص تعلق گیرد تا برانگیزنده و تقویت کننده باشد. ب) تشویق نباید به گونه ای صورت پذیرد که موجب خودبینی و خروج از اعتدال شخص گردد. ج) در تشویق نمودن باید عناصر زمان، مکان و مرتبت شخص تشویق شونده در نظر گرفته شود تا موجب تأثیرات منفی نگردد و نقش رشددهنده خود را ایفا سازد. چنان که امیرمؤمنان علی (ع) بدین امر این گونه اشارت نموده اند: ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، درماندگی، یا رشک و حسد بردن است. د) اصل تشویق هدف نیست. از این رو نباید رفتاری شود که تشویق به صورت هدف در بیاید که در این حالت نقش اصلی خود را در تربیت از دست می دهد. ه) تشویق باید چنان باشد که شخص خود را مستحق آن بداند و آنچه بدان می رسد، برای او تبیین شده باشد، تا نقشی سازنده داشته باشد. ز) گاهی تشویق باید مادی باشد و گاهی معنوی تا نقش تربیتی و سازنده ای داشته باشد، چرا که گاهی یک سخن در حق یک شخص ممکن است اثراتی به مراتب بیشتر و عمیقتر از هزاران هزار جایزه مادی داشته باشد. امیرمؤمنان علی (ع) زمانی که به عیادت صعصعه بن صوحان رفت، او را این چنین تشویق نمود: انک ما علمت حسن المعونه، خفیف المؤمنه همانا تو تا آنجا که دانسته ام، یآوری نیکو و کم هزینه ای

آداب تنبیه:

باتوجه به اینکه تنبیه امری تبعی و عرضی است و نباید به صورت امری اصلی در تربیت مورد استفاده قرار گیرد، لازم است حتی المقدور از آن پرهیز شود. اما در صورتی که چاره ای جز تنبیه نباشد، باید موارد زیر را در آن رعایت نمود: الف) در ابتدا این نکته را باید در نظر داشت که حتی المقدور باید تمهیداتی فراهم گردد که زمینه جرم و خطا کم شود، نه اینکه با دامن زدن به زمینه خطا و جرم، میدان تنبیه و مجازات را گستراند. امیرمؤمنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر او را متوجه این امر تربیتی نموده و او را فرمان داده است که با تأمین کافی کارکنانش زمینه خطا و جرم را بکاهد: پس روزی آنان را فراخدار، که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی نیاز باشند، تا دست به مالی که در اختیار دارند، نگشایند و حجتی باشد بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت ورزیدند. ب) در تنبیه و مجازات، آنچه که اعمال می شود باید متوجه خلاف و جرم باشد، نه شخصیت انسانی تا وسیله ای گردد برای جدایی شخص از اشتباه و گناه. ج) از آنجایی که تنبیه عملی طیبانه است، باید کاملاً سنجیده و حساب شده باشد و از حد و مرز لازم فراتر نرود؛ چرا که هرگونه نسنجیدگی و بی دقتی در آن فاجعه بار است. امیرمؤمنان زیاده روی در تنبیه را موجب گستاخی و افزون تر شدن لجاجت می داند: افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزون تر می کند. د) در صورت احساس پشیمانی نباید شخص را تنبیه نمود و حتی نباید در آینده شخصی را به یاد گناه و اشتباهش انداخت و به تکرار عذرخواهی واداشت. حضرت علی (ع) در این مورد می فرماید: در تکرار نمودن عذرخواهی، به یاد گناه انداختن است. هم چنین می فرماید: کسی که عذر خواهد، گویا گناه نکرده است. ه) در تنبیه باید توجه شود در صورت به نتیجه رسیدن با اقدامات نرم و لطیف، به هیچ وجه نباید به سوی اقدامات سخت و شدید رفت. و) در تنبیه نمودن باید پیوسته فلسفه تنبیه مدنظر باشد و به هیچ وجه نباید تنبیه به سوی انتقام گیری راه یابد، تنبیه باید از سرحبت و شفقت باشد، نه از سر قساوت و خشونت. امیرمؤمنان می فرماید: ضرب خادمک اذا عصی الله، و اعف عنه اذا عصاک: اگر خدمتکارت خدا را نافرمانی کرد، او را تنبیه کن، ولی اگر شخص تو را

نافرمانی کرد، او را ببخش (ز) تنبیه نمودن بهتر است در خفا باشد، مگر در موارد خاص که موجب بازدارندگی عمومی شود. (ح) تنبیه هنگامی به درستی به بار می‌نشیند، که شخص خطاکار خود را مستحق تنبیه بداند و هشدار بیرونی با بیداری درونی توأم شود
<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx>

ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب بصری ، معروف به جاحظ (متولد ۱۵۰ هـ ق)

یکی از آزمایشهای جالب جاحظ بدین قرا است : سگی را در خانه ای در قفس حبس می کرد و آشپز پس از خرید گوشت و بازگشت از بازار ، ابتدا چاقو را تیز می کرد و سپس برای پخت غذا گوشت را خرد می کرد ، آنگاه به سگ غذا می داد . چندی نگذشت که با بازگشت آشپز از بازار و بلند شدن صدای تیز کردن چاقو ، سگ با حرکتهای خویش نشان می داد که منتظر غذاست ، ولی در وقفهای دیگر ، مثلاً شب ، سگ در برابر صدای تیز کردن چاقو از خود واکنش نشان نمی داد .

به عقیده جاحظ تلاش فرد برای آموختن مطالب ، باید مورد قدردانی و تشویق قرار گیرد ، و سهل انگاری و سستی او با نکوهش و تنبیه پاسخ داده شود چنانکه خداوند برای هدایت و رشد بشر پاداش و عقاب قرار داده است . چرا که بدون آن هیچ گاه هدایت و تربیتی صورت نمی گرفت ، هیچ کس به فرمانهای الهی گردن نمی نهاد و ظلم و فساد و آثار شوم خود خواهی ، جهان را فرا می گرفت ، زیرا طبع آدمی همیشه به سوی تنبلی و ارضای شهوات گام بر می دارد و منافعش را بر هر چیز ترجیح می دهد .

روش تربیتی تشویق و تنبیه ، زمانی نتایج ارزنده خود را به دنبال دارد که در اجرای آن اصول و نکاتی رعایت شود . در غیر این صورت نه تنها نقش تربیتی خود را ایفا نمی کند ، بلکه پیامدها و آثار سوء و منفی خواهد داشت .

۱. تشویق و تنبیه باید در موضع مناسب و شایسته خود به کار گرفته شود از حزم و دور اندیشی به دور است که از خطای شخص به هنگامی که باید مجازات شود در گذریم ، و یا زمانی که لازم است فرد مورد تشویق قرار گیرد ، از آن خودداری کنیم . از این رو جاحظ می گوید که پاره ای از عفوها باعث جسارت و حریص شدن فرد می شود .

۲. تنبیه و تشویق باید از جهت کمیت و کیفیت باید با رفتار بهنجار یا نابهنجار شخص منطبق باشد زیرا افراط و تفریط و خروج از حد اعتدال در تشویق و تنبیه ، اثری ناگوار به دنبال دارد .

۳. تشویق و تنبیه به سان دو بال یک پرنده هستند ، چنانکه پرنده نمی تواند تنها با یک بال پرواز کند و اوج بگیرد ، نظام تعلیم و تربیتی هم که تنها از یکی یاری جوید راه به سر منزل مقصود نخواهد برد . به همین دلیل گفته اند : در کسی که صرفاً به عفو و بخشش می پردازد خیری نیست ، و بد تر از او کسی است که تنها به تنبیه و مجازات می پردازد . پس باید ثواب را با عقاب ، و عده را با وعید و عفو را با مجازات ، همراه هم به کار برد .

۴. تنبیه و مجازات در حقیقت خیر و نیکی است ، نه شر و بدی ، زیرا نتیجه آن رشد تعلیم و تربیت است و اولین کسی که سود می برد ، خود شخص است . بی جهت نیست که گفته اند : بعضی از کشتن ها ، (قصاص و مجازات حیاتی) ، به منزله زنده کردن جمیع مردم است ، و در مواقعی امتناع از بخشش ، خود در واقع اعطا و بخشش است . (اعرافی و همکاران . صص ۵۱-۴۹)

محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ ملقب به ابو نصر فارابی ، مشهور به معلم ثانی (۲۶۰ - ۳۳۹ هـ ق معادل ۸۷۴-۹۵۰ میلادی)

فارابی انواع فضائل ، فعل جمیل و قبیح ، لذت و الم را معرفی می کند . فعل خیر یا جمیل ، حد وسط دو طرفی است که هر دو شر هستند . فعلی که فاعل آن در نزد مردم ستوده است و خلقی که صاحب آن ستوده می شود ، فعل و خلق جمیل است . (اعرافی و همکاران ، ۱۰۸-۱۱۹)

لذات و الام حاصل از افعال ، نقش مهمی در برانگیختن افراد به سوی انجام آنها دارند . همین امر موجب می شود که برای باز داشتن افراد از انجام افعال قبیح در برابر لذت حاصل از آن فعل ، رنجی را پدید آوریم که از آن لذت افزون باشد و به این وسیله مانع انجام فعل قبیح شویم .

همین نسبتی که باید میان لذت کاذب یا زیان آور و رنج تنبیهی برقرار باشد ، خود گویای ضرورت تناسب تنبیه با فعل قبیح است . البته ترک افعال خیر نیز می تواند با تنبیه مواجه شود و به این ترتیب ، تنبیه فقط وسیله ای برای جلوگیری از قبیح نیست ، بلکه موجب مبادرت به خیرات نیز خواهد بود .

همان مبنایی که در اتخاذ روش تشویق و تنبیه وجود دارد ، یعنی توجه به نقش لذات و آلام در برانگیختن به افعال ، می تواند ما را به اتخاذ تشویق به عنوان روشی برای تقویت افعال خیر راهنمایی کند . (همان . ص ۱۳۵)

محمد بن عبدالسلام ، سحنون بن سعید بن حبیب تنوخی قیروانی ، معروف به ابن سحنون (۲۰۳ - ۲۵۶ هـ ق ، ۸۱۹ میلادی)

ششمین وظیفه معلم تنبیه کردن به عنوان شیوه ای برای بهبود آموزش و تربیت است. در نظر ابن سحنون، تنبیه، کیفر در برابر گناه و کار زشت تلقی نمی شود و متعلم و متربی جزء گناهکارانی نیست که حتما باید مجازات شود، بلکه تنبیه یک روش تربیتی است که معلم وظیفه دارد برای یادگیری بهتر دانش آموزان و تربیت صحیح و یا جلوگیری از ازار رساندن آنان به یکدیگر به کار گیرد، و این در صورتی است که تنبیه در این امور مفید افتد، و در غیر اینصورت، معلم مجاز نیست دانش آموزان را تنبیه کند، و در فرض تاثیر داشتن و سودمندی هم، تنبیه با بیش از سه ضربه معمولی جایز نیست. مگر در مورد دانش آموزی که به کسی آزار رسانده، یا مال کسی را گرفته و یا به نحوی به دیگران ستم روا داشته است، که در این صورت، معلم بعد از نصیحت وی در خصوص عدم اذیت و آزار دیگران، و با اجازه پدر او، می تواند حداکثر ده ضربه به وی بزند و به هیچ وجه بیش از آن جایز نیست و در صورت تخلف معلم مرتکب معصیت شده، و در قیامت قصاص خواهد شد. معلم در صورتی می تواند به تادیب دانش آموز ازار دهنده اقدام کند که اذیت و آزار رساندن وی به دیگران به یکی از سه طریق زیر اثبات شود:

تعداد زیادی از دانش آموزان علیه او شهادت دهند، به صورتی که یقین حاصل کند. آزار دهنده خود اعتراف کند. دانش آموزانی که به صدق و راستگویی مشهورند، شهادت بدهند.
ابن سحنون، بازی بیش از حد و به بطالت گذراندن وقت را از مواردی ذکر می کند که تادیب دانش آموز برای جلوگیری از آن جایز است.
(همان، صص ۷۹-۸۰)

ابوالحسن علی بن محمد بن خلف معافری قیروانی ، معروف به قابسی (۳۲۴ - ۴۰۳ هـ ق)

قابسی روش تنبیه و تنبیه را برای اصلاح رفتار توصیه می کند. او معتقد است، دانش آموزان، معمولا در مکتب خانه ها مطابق با برنامه تنظیم شده از سوی معلم، در س می خوانند، تکالیف محوله را انجام می دهند و نیکو رفتار می کنند و از کارهای زشت و خلاف پرهیز می نمایند. این شیوه طبیعی کودکان است و روشن است که رفتار معلم با چنین دانش آموزانی، جز احسان، تشویق، گشاده رویی و دوستی نباید باشد، ... با استدلال یاد شده، قابسی بیشتر به تنبیه و تنبیه پرداخته است، تا آن عده از دانش آموزانی که خوب درس نمی خوانند و در انجام تکالیف کوتاهی می کنند و یا به کارهای خلاف شرع و خلاف اخلاق روی می آورند، اصلاح شوند و در یادگیری کوشش کنند و به صورت صحیح و شایسته تربیت شوند. وی برای تحقق این هدف می گوید:

اولا باید به دانش آموز یا متربی خطا کار، نسبت به انجام ندادن تکلیف هشدار داد و وی را به نقص کار یا خطا و اشتباه و زشتی رفتارش، متوجه ساخت و آگاهیهای لازم را به وی داد، تا به وظیفه خود و پسندیدگی عمل به آن و نیز عواقب و آثار کارهای خلاف، دقیقا آگاهی پیدا کند و رفتار نیک را از بد، و عمل شرعی و اخلاقی را از غیر آن بازشناسد. این تنبیه باید تکرار شود، و این اولین برخورد معلم با دانش آموز خطا کار است.

ثانیا، در صورت تعاقب و استمرار خطا، باید چهره عبوس کند و وی را با صدای بلند و بدون این که فحش و ناسزایی به دانش آموز بگوید، او را مورد سرزنش قرار دهد. معلم حق ندارد واژه های نامناسب به کار برد و به فرزندان مومنان جسارت کند و در صورتی که چنین کند باید استغفار کند.

الفاظ قبیح و ناشایست در صورتی از شخص متقی سر می زند که به غضب آمده باشد و بخواهد انتقام بگیرد و معلم نباید به انگیزه انتقام و برای تشفی نفس غضبناک خویش، به تادیب دانش آموز بپردازد، که این امر، او را از عدالت بیرون می برد، بلکه باید انگیزه معلم، مصلحت دانش آموز، تعلیم و تربیت وی و اصلاح رفتار ناپسند وی باشد. با این انگیزه معلم خشمگین نمی شود و در صورت عصبانیت نیز، با الفاظ زشت، دانش آموز خطا کار را مورد سرزنش قرار نمی دهد.

ثالثا، در صورت ادامه رفتار ناشایست، معلم باید دانش آموز را به کیفر و تنبیه بدنی تهدید کند و در آخرین مرحله، اگر از خطا دست بردار نبود، به میزان جرم و خطایش، از یک تا سه ضربه او را تنبیه بدنی کند. تازیانه ای که معلم در تادیب به کار می گیرد، باید درد آور باشد، ولی نه آن قدر که تاثیر نامطلوبی در بدن دانش آموز بگذارد و یا او را به ضعف بیندازد. همچنین نباید ضربه بر سر و صورت نواخته شود، زیرا سلامتی کودک به خطر می افتد. البته در صورتی که نوجوان تحملش زیاد باشد و معلم تشخیص دهد که باید بیش از سه ضربه به او زده شود، طی مشورت با ولی او، می تواند تا ده ضربه با همان شرایط قبلی، به وی بزند.

معلم باید تادیب را آشکارا و در حضور دانش آموزان دیگر انجام دهد تا برای دیگران درس عبرت باشد، و نیز بر خود اوست که به تنبیه بدنی دانش آموز خطا کار اقدام کند و آن را به دیگر دانش آموزان واگذار ننماید، زیرا باعث پیدایش نزاع و کینه در بین آنان می شود. (اعرافی و همکاران. صص ۱۵۵-۱۵۷)

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا معروف به شیخ الرئیس (۳۷۰-۴۲۸ هـ ق)

نخستین دانشمندی که در ایران راجع به تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است، شیخ الرئیس ابوعلی سینا است. به عقیده ابن سینا منظور از آموزش کودک پنج چیز است: ایمان، اخلاق نیکو، تندرستی، سواد، هنر و پیشه. آموزگار باید با دین، درستکار، خردمند، منصف، پاکیزه و موقر باشد. راه معاشرت بداند. به روش تعلیم و تربیت اطفال و تهذیب اخلاق آنها آشنا باشد.

معلم باید کودک را از کارهای زشت دور و با اقران خوب محشور سازد. گاهی او را تشویق و زمانی تهدید نماید و چنان که ترساندن نتیجه ندهد، تنبیه کند.

به هنگام آموختن رویه معتدل داشته باشد، یعنی نه خود را چنان بگیرد که طفل جرات پرسش و خواستن توضیح نکند و نه چنان ملایمت نشان دهد که طفل جسور شود و به بیانات و دستورهای او توجه نکند و یا گفته های او را به منزلت بشمارد.

طفل را بشناسد و طبع و قریحه او را بسنجد و هوش او را بیازماید تا بتواند به موقع خود هنر و پیشه ای که متناسب با استعداد و ذکاوت اوست برایش انتخاب کند.

ذوق و شوق طفل را انتخاب هنر و پیشه رعایت کند. او را با استفاده از هنر و پیشه ای که آموخته است وادار کند تا عملاً به کسب معاش خوی گیرد. (تاریخ فرهنگ ایران، ۱۳۲-۱۴۰)

ابن سینا پس از آن که به سرپرست کودک توصیه می کند که وی را به اخلاق پسندیده ترغیب سازد و از رذائل اخلاقی و عادات ناپسند منع کند، ابزار تشویق و تنبیه یا ترغیب و ترهیب را به عنوان ضمانت اجرای آن توصیه می کند. عکس العمل مربی کودک باید منطبق با اخلاق و رفتار وی باشد و از نظر کمی و کیفی، تدریجی و متناسب با رفتار کودک باشد، مثلاً در مقابل رفتاری ناپسند، ابتدا روگردانی، سپس ترشروی و پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ باید باشد.

ابن سینا برای تشویق یا تنبیه راههای گوناگونی ذکر می کند و اشعار می دارد که مربی نباید تنها از شیوه خاصی برای تشویق یا تنبیه بهره جوید، مثلاً تشویق کودک می تواند با تعریف و تمجید از رفتار و اخلاق نیکوی او و هم با انس گرفتن با کودک یا قدردانی از او صورت گیرد.

ابن سینا تنبیه بدنی را در صورت لزوم مجاز می داند، ولی برای آن شرایطی تعیین می کند: الف) اولین تنبیه بدنی باید سخت و دردآور باشد، به گونه ای که کودک به شدت بترسد و بداند اگر باز چنین رفتاری ناپسندی از او سر بزند، تنبیه دردناکی در انتظار اوست.

ب) تنبیه بدنی باید پس از ترساندن شدید صورت گیرد. شاید علت آن که ابن سینا این شرط را برای تنبیه بدنی لازم می شمارد، آن است که کودک اهمیت چنین تنبیهی را دریابد و در ذهن و خاطر او تاثیر بسزایی بگذارد، به گونه ای که خاطره چنین وضعیتی او را از تکرار رفتار ناپسند باز دارد.

ج) تنبیه بدنی پس از فراهم کردن میانجی و شفاعت کننده صورت پذیرد. به نظر می رسد علت این شرط آن است که به عقیده ابن سینا هدف از تنبیه بازداشتن کودک از رفتار ناپسند است نه انتقام... بنابراین میانجیگری لازم است تا هرگاه تنبیه به حد کفایت رسید، با وساطت ایشان پایان پذیرد و از تنبیه بیش از حد و نامناسب جلوگیری شود. (اعرافی و همکاران. صص ۲۸۷-۲۸۸)

ابوعلی مسکویه رازی (۳۲۵-۴۲۱ هجری)

گفتار دوم از هفت گفتار کتاب "طهاره الاعراق" به پرورش کودک اختصاص دارد. به عقیده ابوعلی مسکویه، چنانچه پدر در فرزند خویش حیا و شرم ببیند، باید بداند که نجیب است و سزاوار تادیب. پس نباید او را به حال خود واگذارد و اشخاص بی ادب و فاسد را به او راه دهد. پدر باید پیوسته نیکوکاران را پیش او بستاند و طفل چون کار نیک کند از او تمجید نماید و بر حرمت او بیافزاید و اگر کار زشت از او سرزند، شرمسار کند و از پرخور و لذت ها و پوشاک رنگارنگ بر حذر دارد و کار کند که گرسنگان را بر خود مقدم شمارد و قناعت را پیشه خود سازد.

پس از فرا گرفتن این عادت باید ویرا ادب آموخت. داستانهای اخلاقی و دلکش را بدو داد تا حفظ کند و ویرا در کردار خوب ممد باشد. اشعار عاشقانه و فساد انگیز نباید به او آموخت.

هرگاه طفل کار بد کند، نباید به روی خود آورد و چنانچه تکرار کرد باید در خلوتش سرزنش کرد و کردار بد را در نظر او بزرگ مجسم ساخت. در سرزنش نباید مبالغه کرد ورنه کودک بی شرم شود.

از مطالب دیگر او، تعیین مقدار خواب و سختی و زبری رختخواب، عادت دادن به سرما در زمستان و گرما در تابستان، عادت ندادن به نرمی و آسایش، به کار نبردن سوگند و ناسزا در محاوره، تحمل چوب استاد، خوشرفتاری نسبت به کودکان دیگر، خوار شمردن زر و سیم است. او از تربیت شاهان قدیم ایران تمجید می کند که فرزندان خود را در ناز و نعمت بار نمی آوردند و زیر نظر اشخاص درستکار آرموده و در میان مردم تنگ معیشت آنان را پرورش می دادند تا عادت به سختی کنند. (سیر فرهنگ در ایران و مغرب، ۴۱۵-۴۱۶)

مسکویه، روش محبت را در تعلیم و تربیت بسیار موثر می داند و معتقد است که اساس جامعه بر محبت است.

کیکاووس بن اسکندر (۴۸۱-۴۱۲ هجری)

کیکاووس نوه قابوس بن وشمگیر ملقب به عنصرالمعالی در کتاب قابوسنامه نتیجه تجربیات و مطالعات خود را ارائه می کند. بیشتر نظرات تربیتی او در باب های ششم، بیست و هفتم و سی و یکم این کتاب است. بیشتر عقاید و نظرات او مربوط به خانواده های توانگر است که به استخدام استادان متعدد برای پرورش فرزندان خود قادرند. از این رو او سازمانی برای تعلیم تربیت پیش بینی نمی کند.

کیکاووس معتقد است معلم باید با هیبت باشد و کودک را در صورت کاهلی بزند. تا وی بر تن خود کاملاً مسلط شود و تن را فرمانبردار خویش گرداند. چنانچه معلم طفل را بزند، پدر نباید شفقت برد ولی خود او نیز نباید شخصاً فرزند را تنبیه کند بلکه بوسیله معلم سیاست نماید تا کینه پدر در دل نگیرد. هرچه طفل می آموزد باید بدان عمل کند.

او به مصاحبت اهمیت می دهد و مکرر در ابواب مختلف توصیه می کند که کودک باید با نیکان و خردمندان محشور باشد و از بدکاران و بدنامان دوری جوید. (سیر فرهنگ ایران و مغرب، ۴۱۷-۴۱۹)

امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ هجری)

عمده نظرات غزالی در باب تعلیم و تربیت، در کتاب های کیمیای سعادت و نصیحه الملوک آمده است. محورهای عمده نظرات او به شرح زیر است:

کودک را باید از قرائین بد دور نگاه داشت زیرا بیشتر فسادها از هم صحبت و رفیق بد بر می خیزد.

او را باید از حیث لباس و خوراک و وسایل خواب و استراحت، به سادگی عادت داد.

مطالبی را که مفید و ضروری است باید بوسیله تلقین در ذهن و دماغ کودک وارد کرد.

تشویق باید یکی از وسایل پرورش کودک باشد.

کودک هرچه می آموزد باید بدان عمل کند.

معلم باید حتی الامکان با ترساندن طفل او را تادیب کند و چنانچه موثر نشد، زدن را جایز می شمارد. "چون معلم او را بزند، بگوید: تا فریاد و جزع نکند و شفیع نیانگیزد. و گوید: کار مردان تحمل است."

باید با کودکان به مهربانی و گشاده رویی رفتار کرد و از بازی آنان خوشحال شد و دل ایشان را خوش کرد. زیرا قرائی کردن و روی ترش کردن و خود را از چنین کارها گرفتن از دین نیست خاصه با کودکان.

پدر باید حشمت خود را با فرزند نگاه دارد.

امر به معروف و نهی از منکر را مطابق شرع مقدس واجب می داند. (سیر فرهنگ ایران و مغرب، ۴۲۸-۴۳۲)

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ هجری)

خواجه نصیرالدین طوسی نظرات خود در باب آموزش و پرورش را در کتاب اخلاق ناصری بیان کرده است.

عمل تربیت در کودکی آسان است. و از قول سقراط طفل را شبیه به شاخه تر و نازک درخت کرده است که راست کردن آن به سهولت صورت بندد.

از راه تکرار و تذکار متواتر می توان درسی را ملکه کرد و از آفت نسیان محفوظ داشت و همچنین از راه گوش و تکرار و تذکار عادات نیکو را چون ناچیز شمردن لباس فاخر و اکل و شرب و عدم توجه به لذات بدنی در نهاد کودک متمکن ساخت. در حضور او از مردمان نیک باید مدح کرد و از بدکاران مذمت نمود و هرگاه طفل کار خوبی انجام دهد ویرا ستود و اگر قبیحی از او صادر شود، سرزنش نمود ولی این

سرزنش نباید صریحاً برای کار قبیح باشد بلکه باید او را به تعافل منسوب کنند تا بی باک نشود. چنانچه کودک کار زشت خود را پنهان کند ، معلم باید آن را نادیده انگارد و اگر تکرار کرد آن گاه به تنهایی او را مورد ملامت قرار دهد و در قبح کاری که شده مبالغه کند و وی را از تکرار آن برحذر دارد . از طرف دیگر نباید گذاشت که توبیخ شنیدن عادت شاگرد شود ، زیرا در آن صورت موجب وقاحت خواهد شد و از ارتکاب قبیح لذت خواهد برد .

توسل به تنبیه را جایز می شمارد . هرگاه کودک از انجام وظایف دینی امتناع کند یا افعال قبیحه از او دیده شود و فضولی کند و به دیگران زبان رساند او را مواخذه باید کرد و زجر داد . ولی طفل نباید به هنگام ضرب فریاد کند یا شفیع و واسطه طلبد زیرا این کار ضعیفان و بندگان است .

کودک را باید به سختی عادت داد . از جامه نرم و تمتع بازداشت . از استفاده از سردابه در تابستان و پوستین و آتش در زمستان منع کرد . خواب بسیار را اجازت نداد . در اثنای ممارست فنی باید به ورزش نیز پرداخت . . (سیر فرهنگ ایران و مغرب . ۴۳۹-۴۴۱)

فتنه مغول

از ۶۱۶ هجری ، بلایی به نام حمله مغول به ایران وارد شد که از شرق دور تا آلمان کنونی را به شیوه بسیار وحشیانه ای شخم زد . این قوم تنها ویژگی بارزی که داشتند ، انضباط به حد اعلی و فرمانبرداری مطلق از روسای خود بود . از هر شیوه ای که می توانست آنان را در مقصودشان یاری کند بهره می گرفتند ، کشتن مردم ، حتی بدون آن که کینه ای داشته باشند و یا بدانند که چه ملتی هستند امری بسیار عادی برای آنان بود . این امر تا قرن‌ها بعد شیوه های تعلیم و تربیت را متأثر ساخت . به طور یکه تا سالیان دراز شیوه های تربیتی خشونت بار تر و سختگیرانه تر شد .

زید بن نورالدین علی بن احمد عاملی ملقب به شهید ثانی (مقتول در ۹۶۵ هجری)

دکتر محمد غفرانی در مقاله ای با عنوان پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، در نشریه مام شماره ۹۰ خرداد سال ۱۳۵۶ به معرفی آرای تربیتی شهید ثانی می پردازد که به اختصار در این مجموعه معرفی می شود.

شاگردان باید به تدریج با مبانی اخلاق و سنن مرضیه آشنا شوند . شاگردان به مطالعه سیره بزرگان ترغیب و تشویق شوند . استاد باید خواسته شاگردان را خواسته خود بداند و در تامین سعادت آنان بکوشد . باید مراقب رفتار و کردار شاگردانش باشد و آنان را از طریق نصیحت و ارشاد هدایت کند . اگر اسائه ادبی از شاگرد سر زد تلویحاً او را سرزنش کند زیرا توبیخ علنی پرده حجاب و حیا را می درد و مرتکب را گستاخ می سازد . به هنگام تدریس همه را مورد نظر داشته باشد و آنان را با احترام نام ببرد . هرگاه یکی از شاگردان از درس غیبت ، و غیبت او از حد متعارف تجاوز کند استاد باید به جستجوی حال وی برآید . در حلقه درس شاگردان را با اسم و لقب و کنیت بخواند و یک یک را مورد تفقد قرار دهد و در حق آنها دعا کند . با توجه به اهم فالاهم درسش را برای شاگردان القا کند . شاگردان را به ممارست دروس تشویق کند . از سوال پی در پی شاگردان نرنجد . استاد باید تکالیف درسی را از شاگردانش مطالبه کند و گاه آنان را بیازماید و آنکه در انجام تکالیف درسی قصور ورزیده در انتظار همدرسانش سرزنش و ملامت کند . استاد باید سوالاتی به عنوان آزمایش هوش به شاگردانش بدهد تا قدرت درک و استعداد آنان را بسنجد . از طریق تشویق روح رقابت را میان شاگردان تشویق کند و کسی را بر کسی ترجیح ندهد . با در نظر گرفتن خواسته اکثریت به تعیین درس بپردازد . به طور آزاد و علی السویه پرسش کند و از الزام و اجبار خود داری کند و اگر شاگردی نوشتش را به دیگری داد عذرش را موجه تلقی کند . هرگاه شاگردی بیش از حد معمول و فوق توانایی و جسمانی خود درس بخواند ، استاد باید برای حفظ سلامتی ، او را با نصیحت و اندرز از فعالیت بسیار باز دارد . استاد نباید دروس و علمی را که در آن تخصص ندارد خوار و حقیر بشمارد . هرگز از مراد شاگردش با معلم دیگر در خشم نشود و ان را نکوهش نکند . چون شاگردی تحصیلات خود را به پایان رساند ، بر استاد است که به تنظیم معاش وی همت گمارد و در مجالس و محافل از او به نیکی یاد کند .

قرن اخیر

در سال ۱۲۹۰ خورشیدی ، در ماده ۲۸ قانون اساسی فرهنگ ، تنبیه بدنی در مدارس ممنوع شد . این ممنوعیت تا به امروز مورد تاکید قرار گرفته است .

متن زیر با عنوان **منظور از تنبیه** عیناً از چاپ یازدهم کتاب روش نوین در آموزش و پرورش ، تألیف دکتر عیسی صدیق در سال ۱۳۲۷ نقل می شود .

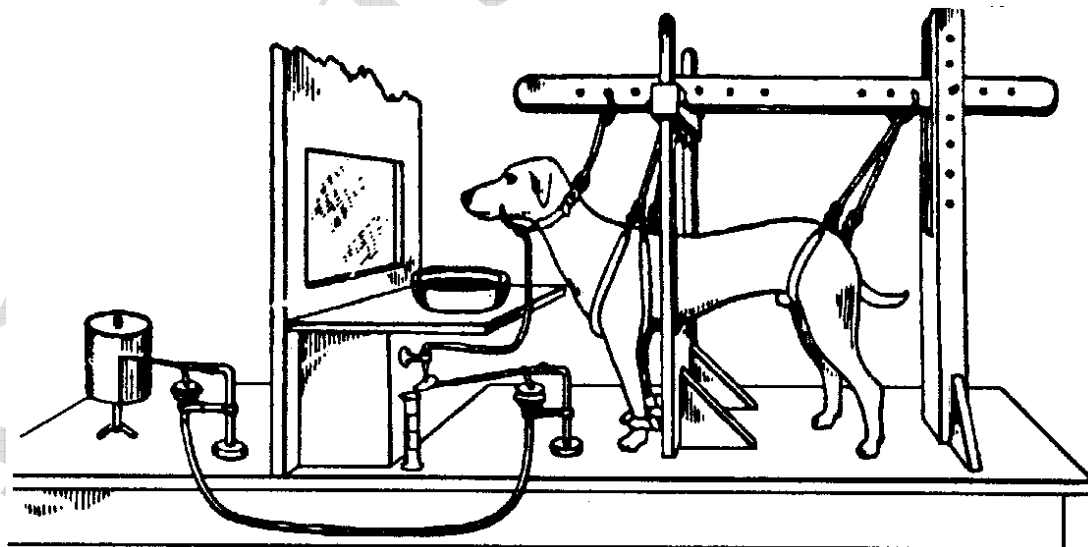
تنبیه برای آگاه ساختن طفل و پرورش اخلاقی اوست و از آن دو منظور هست . منظور آنی و فوری بازگشت نظم و فراهم شدن شرایط مساعد است برای کار . منظور دوم آثار دائمی است که در طفل باقی می ماند . تنبیه باید طوری باشد و شکلی اجرا شود که شاگرد را نسبت

باولیای مدرسه خوش بین کند و او را برای اصلاح خویش آماده سازد. تنبیه باید آبروی شاگرد را نریزد بلکه حیثیت او را نگاه دارد و تقویت کند، بطوریکه پس از تنبیه محصل بیشتر مایل به حفظ آبروی خود باشد. بسیار باید دقت کرد که تنبیه تاثیر مخالف در شاگرد نکند مثلاً موجب گریختن او از مدرسه یا سرکشی او بر ضد اولیای آموزشگاه نگردد نکته بسیار بزرگی که باید رعایت کنید این است که در مورد تقصیرهای مهم باید تنها و بدون حضور غیر با شاگرد روبرو شوید. منظور آموزگار یا مدیر باید این باشد که در رفتار و حالت روحی شاگرد تغییراتی بوجود آورند. به او نشان دهند که بر خلاف نظم رفتار کرده _ او را باقرار آورند که تقصیر کرده و بحقوق دیگران لطمه وارد ساخته و مانع از پیشرفت کار مدرسه شده است و راه جبران را از خود او بخواهند. البته این ترتیب مستلزم صرف وقت و داشتن شکیبایی و بردباری و جد بسیار می باشد و لیکن تنها راهی است که ریشه فساد را بر می اندازد و منشأ آن را نشان می دهد و باعث اصلاح اخلاق و بهبودی حالت روحی شاگرد می شود. در حضور دیگران دانش آموز را سرزنش کردن موجب رستگاری وی نخواهد شد و جز نیست کردن شخصیت و بی آبرو کردن او پیش همسران سودی نخواهد داشت.

پیوست ۲: شرطی سازی

شرطی سازی کلاسیک

نظریه شرطی سازی کلاسیک بازتاب ها و تاثیر تجارب یادگیری بر آن ها را توضیح می دهد. بازتاب به رابطه بین یک پاسخ ماهیچه ای یا غده ای و محرکی که از طریق تاثیر گذاری بر یکی از اعضای حسی که آن پاسخ را تولید می کند، گفته می شود. محرک تولید کننده این نوع پاسخ را محرک فراخوان، پاسخی را که آن محرک تولید می کند پاسخ فراخوانده شده می گویند. رفتارهای بازتابی را رفتار پاسخگر نیز نامیده اند. بازتاب ها به طور ارثی وجود دارند. تجارب یادگیری بر آن ها اثر می گذارد. مانند: تنگ شدن مردمک چشم در مقابل نور. نور محرک فراخوان، تغییرات مردمک چشم پاسخ فراخوانده شده، عطسه در مقابل گرد و خاک، چشیدن چیزی تلخ یا تند و ...



احساس خود را در مورد این عبارات توصیف کنید: رشت و میل، سیل بوگیا، فحخوشه.

مثال موردی:

- ۱- آقای "م. ن" از اول ساعت تا آخر یکنواخت حرف می زد و برای بچه ها احساس خواب الودگی قابل پیشگیری نبود، خمیازه پشت خمیازه ... پس گردنی های آقای م ن اگر چه دردی نداشت اما ... شوک غریبی برای آدم ایجاد می کرد.
- ۲- باز درس ... شروع شد، یعنی یک ساعت تمام جزوه نوشتن، طوری که آخر ساعت فقط واسه ما میج درد باقی می مونه.
- ۳- همیشه از حرف زدن در کلاس خجالت می کشیدم، معلم متوجه شده بود، ابتدا مرا برای گرفتن دفترم صدا می کرد، کم کم حضور و غیاب و یک روز متوجه شدم که با آرامش در حال خواندن متنی در مقابل دیگران هستم ...

شرطی سازی کنشگر

این نوع شرطی سازی با نام اسکینر پیوند خورده است. در این نوع شرطی سازی، رفتاری خاص در موجود زنده تقویت می شود.

تقویت کننده مثبت نخستین ، چیزی است که به طور طبیعی برای جاندار تقویت کننده است . مثل آب و غذا . هر محرک خنثایی که با تقویت کننده مثبت نخستین همراه شود ، ویژگی های تقویت کننده مثبت ثانوی را به خود می گیرد .
تقویت کننده منفی نخستین ، چیزی است که به طور طبیعی برای جاندار مضر است . مثل صدای شدید یا شوک برقی . هر محرک خنثایی که با تقویت کننده منفی نخستین همراه شود ، ویژگی های تقویت کننده منفی ثانوی را به خود می گیرد .
 توجه : تقویت کننده منفی ، چیزی است که وقتی در نتیجه پاسخی از موقعیت خارج می شود ، احتمال بازگشت آن پاسخ را افزایش می دهد .

در هر دو مورد تقویت مثبت و منفی اثر تقویت یکسان است . مانند فشار دادن اهرم برای دریافت غذا و حذف شوک **تنبیه** زمانی رخ می دهد که پاسخ ، چیز مثبتی را از موقعیت حذف می کند یا چیزی منفی به آن می افزاید **تنبیه** دور ساختن ارگانیسم از چیزی است که خواستار آن است ، یا دادن چیزی که طالب آن نیست **تنبیه** احتمال پاسخ را کاهش نمی دهد . زمانی که تنبیه وجود نداشته باشد ، نرخ پاسخ به میزان اول باز می گردد .
تنبیه آثار هیجانی نامطلوب دارد . ارگانیسم تنبیه شده آن را به سایر محرک های همزمان تعمیم می دهد .
تنبیه به ارگانیسم می گوید که چه کار نکند نه این که چه کار بکند .

تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می کند .
 در غیاب عوامل **تنبیه** کننده ، ممکن است رفتار ارائه شود .
تنبیه ممکن است در فرد تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه و دیگران پرخاشگری ایجاد کند .
تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جایگزین یک پاسخ نامطلوب دیگر می کند .
تنبیه برای شخص تنبیه کننده تقویت کننده است .
 در دراز مدت ، **تنبیه** عملاً رفتار تنبیه شده را از خزانه رفتاری حذف نمی کند .

جایگزین های تنبیه از نظر اسکینر

شرایطی را که موجب رفتار نامطلوب می شوند ، می توان حذف کرد .
 اجازه دادن به ارگانیسم برای رفتار نامطلوب تا حد اشباع و دلزدگی
 اگر رفتار ناشی از مرحله رشد است ، انتظار برای طی شدن مرحله رشد
 زمان مشکل را حل کند .
 برای حذف رفتار نامطلوب باید منبع تقویت را یافت و از میان برداشت .

مثال موردی

۱. برخی معلم ها فکر می کنند ما هنوز بچه دبستانی هستیم ، به ما کارت آفرین می دهند ! **انتخاب تقویت کننده موثر**
۲. معلم ما جایزه را به آخر ماه وعده داده ، کو تا آخر ماه . . . **به موقع بودن تقویت کننده**
۳. معلم ما می گوید : اگر آرام باشید ، ۱۰ دقیقه به شما استراحت می دهم . . **وابسته بودن تقویت کننده**
۴. شما وقتی می توانید کلاس را ترک کنید که تکالیف کلاسی خود را انجام داده باشید . **استفاده از تقویت منفی**
۵. توی کلاس ما وقتی کسی با صدای بلند اعلام آمادگی می کند ، معلم به او محل نمی گذارد . **عدم تقویت**
۶. وسط درس پرویز مزه پروند که کلاس به هوا رفت ، اما معلم انگار نه انگار ، پرویز ضایع شد . **عدم تقویت**
۷. کورش ، شما به دلیل آن که نوشته افراد گروه را خط زدید ، به مدت ده دقیقه باید از گروه بیرون بمانید . **محروم سازی از تقویت**

۸. منصور ، شما برای تمام شدن روزنامه دیواری گروهتان جدی نبودید ، به مدت یک هفته سرگروهی از شما گرفته می شود .

جریمه کردن

۹. موش به بچه اش : ببین ، من این اقارو شرطی کرده ام ، تا این اهرم را می زنی ، غذا توی قفس می ریزد . **چه کسی ، دیگری را شرطی کرده است ؟**

انواع ارائه تقویت :

- ۱) نسبتی ثابت : تقویت بعد از تعدادمعینی از پاسخ ارائه می شود . دقیقاً بعد از ۷ پاسخ
- ۲) فاصله ای ثابت : تقویت در فاصله زمانی ثابتی ارائه می شود . دقیقاً پس از گذشت زمانی ثابت

۳) نسبتی متغیر: ارائه تقویت، به صورت متغیر، به تعدادی ثابت. مثلاً یک هفتم پاسخ‌ها به صورت تصادفی تقویت شود.

۴) فاصله ای متغیر: در یک بازه زمانی تقویت اراده می‌شود. ارائه تقویت برای آزمودنی قابل پیش بینی نیست.

مطالعات نشان داده است که در شروع شرطی سازی استفاده از تقویت پیوسته مفید تر است. اما حاصل آن نگهداشت طولانی تر نیست. ادامه تقویت پیاپی می‌تواند موجب اشباع شود.

وقتی رفتاری تثبیت شد، برنامه تقویت متناوب از برنامه تقویت پیوسته موثر تر و برای نگهداری رفتار نیز کار آمد تر است. تقویت متناوب که اصطلاحاً تقویت سهمی نیز نامیده شده است، نیازمند صرف وقت بیشتر است ام رفتار دیرتر خاموش می‌شود.

مثال موردی: معلم تصمیم می‌گیرد فقط به سوال یا پاسخ کسانی توجه (تقویت) نشان دهد که دست خود را بالا می‌گیرند، در ابتدای شرطی سازی، ضمن توجه به فردی که دستش را بالا گرفته، جمله ای نیز اضافه می‌کند: خوشحال می‌شوم سوال (پاسخ) تو را بدانم. به تدریج، ارائه جمله خوشایند، تصادفی می‌شود، بعد از تثبیت دست بالا گرفتن، تقویت‌ها به صورت پراکنده و تصادفی باید ادامه یابد. و حتی مرحله بعدی شرطی سازی آغاز شود.

یک رفتار مانند مشارکت در کار گروهی را می‌توان با مرحله مرحله کردن **شکل دهی** کرد.

گاتری

زیر بنای نظریه گاتری بر **قانون مجاورت** استوار است. اگر شما در یک موقعیت معین حرکت خاصی را انجام دهید، بار دیگر که در آن موقعیت قرار می‌گیرید، همان حرکت را انجام خواهید داد.

طبق نظریه ثراندایک، وقتی پاسخی به وضع خشنود کننده ای می‌رسد، احتمال انجام آن بیشتر می‌شود. گاتری بر این باور بود که تقویت صرفاً یک ترتیب مکانیکی است به نظر او تقویت شرایط تحریکی را تغییر می‌دهد و در نتیجه از یادگیری زدایی جلوگیری می‌کند. گاتری سه روش برای ترک عادت پیشنهاد می‌کند. الف) **روش آستانه**: نشانه‌هایی که عادت بد را شروع می‌کنند پیدا کنید و پاسخ دیگری را در حضور این نشانه‌ها تمرین کنید. مثال معروف او عادت دادن اسب به وجود زین بر پشت است. می‌توان با قرار دادن پتویی سبک آغاز کرد و به تدریج به زین رسید. ب) **روش خستگی**: آنقدر آزمودنی را در مجاورت شرایط قرار دهید که خسته شود. اگر کودک دوست دارد که کبریت روشن کند، والدین به او اجازه دهند (یا مجبورش کنند) آنقدر کبریت روشن کند که دیگر برای او جنبه سرگرمی نداشته باشد. ج) **پاسخ ناهمساز**: با این روش، محرک نامطلوب، همراه با محرک‌های دیگری که پاسخ ناهمساز با پاسخ نامطلوب ایجاد می‌کنند ارائه می‌شود. برای مثال: کودک در اولین سال مدرسه، می‌ترسد (محرک نامطلوب و پاسخ نامطلوب) مادر را با او همراه می‌کنیم، واکنش کودک به مدرسه آرام شدن خواهد بود.

به نظر گاتری **تنبیه** یکی از تدابیری است که وقتی به طور موثر به کار برده شود، سبب می‌شود محرک‌هایی که قبلاً پاسخ نامطلوبی را فرا می‌خوانند، پاسخ مطلوبی ایجاد کنند. دختر ده ساله ای هر قهقهه به خانه می‌آمد کت و کلاهش را به زمین می‌انداخت و مادر با سرزنش، او را وادار می‌ساخت تا آنها را به چوب لباسی آویزان کند. مادر احساس کرد که نق زدن او نشانه ای برای تکرار این رفتار درآمده است. بعد از آن هر بار که کودک لباسهایش را به زمین پرتاب می‌کرد مادر از او می‌خواست که آنها را از زمین بردارد، از خانه بیرون برود و به محض ورود آنها را به چوب لباسی آویزان کند. کودک به سرعت این کار را یاد گرفت. به نظر گاتری، پاسخ آویزان کردن لباس به محرک‌های ورود به خانه پیوند خورده بود نه به غر زدن مادر.

۱. آن چه درباره تنبیه مهم است، عملی است که ارگانیسم در نتیجه تنبیه انجام می‌دهد، نه احساسی که بر اثر تنبیه در او به وجود می‌آید.

۲. برای این که تنبیه موثر افتد، باید رفتاری را ایجاد کند که با رفتار تنبیه شده **ناهمساز** است.
۳. برای این که تنبیه موثر افتد، باید در حضور محرک‌هایی که رفتار تنبیه شده را فرا می‌خواند اعمال گردد.
۴. اگر شرایط ذکر شده در بند های ۲ و ۳ رعایت نشوند، تنبیه ناموثر خواهد بود و حتی ممکن است پاسخ نامطلوب را قوی تر سازد. (نظریه‌های یادگیری، ۲۳۸-۲۴۴)

محور اساسی نظر گاتری **قانون مجاورت** است. به این ترتیب تنبیه دانش آموز زمانی باید صورت گیرد که اولاً: محرک‌هایی که رفتار نامطلوب را فرامی‌خواند، حضور داشته باشند. ثانیاً: او را وادار به عملی جایگزین رفتار نامطلوب نماید.

مثال موردی: کودک در حال نوشتن روی دیوار یا میز است. تنبیه مناسب هدایت او به پاک کردن دیوار یا میز در همان زمان است. باید اضافه کنیم که این تدبیر بدون توجه به محرک‌هایی که موجب رفتار نامطلوب شده است، کاری کم اثر خواهد بود.

سوالهایی برای بحث: همه معلم‌ها تقریباً اختیارات برابر دارند، اما چگونه است که کودکان به خصوص در دوره راهنمایی و دبیرستان، در کلاس‌های مختلف، حتی با فاصله یک زنگ استراحت، متفاوت عمل می‌کنند. تکالیف یک معلم را با دقت و

حوصله انجام می دهند ، اما تکالیف درس دیگر را انجام نمی دهند . در کلاسی منضبط و آرام هستند ولی همان کودکان در ساعتی بعد ، شلوغ و کم توجه هستند ؟ اگر شما یک رفتارگرا باشید ، چه توصیه هایی خواهید داشت .
شما وارد کلاس می شوید ، غوغا و آشفتگی مشاهده می کنید . بعد از استقرار کودکان ، مضار این آشفتگی را به آنان متذکر می شوید ، ابعاد این شیوه را تحلیل کنید .

پیوست ۳: دیدگاه‌های غیر رفتاری

دیدگاه های رفتاری توجه زیادی به ابعاد محیط دارند . به دلیل آن که تقویت و تنبیه توسط فردی به نام معلم و از بیرون فرد صورت می گیرد ، دیدگاه رفتارگرایان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است . دیدگاه های غیر رفتاری کم و بیش عامل تشویق و تنبیه را مورد توجه قرار می دهند ، اما تعبیر و تفسیر متفاوتی دارند به طوری که وقتی از تشویق و تنبیه صحبت به میان می آید ، به واقع حوزه ای متفاوت را مد نظر دارند .

یادگیری مشاهده ای

باندورا آزمایشی را ترتیب داد که در آن کودکان ، یک بزرگسال را مشاهده می کردند که عروسکی را مورد ضرب و شتم قرار می داد . یک گروه از کودکان مشاهده کردند که ضارب تقویت می شود . یک گروه از کودکان مشاهده کردند که ضارب تنبیه می شود . یک گروه از کودکان پیامد رفتاری را ندیدند . وقتی که کودکان در معرض عروسک قرار داده شدند ، از الگویی که در فیلم دیده بودند ، تقلید کردند .

مرحله یکم : مرحله توجهی

محرك های مشوقی : تاکید معلم و یا سوال کردن
تمایز کردن : بهره گیری از رنگ متفاوت
بار عاطفی : ایجاد علاقه کردن
میزان پیچیدگی : مطالب پیچیده کمتر مورد توجه اند
برجستگی : پایگاه ، مقام ، ویژگی های فردی
ارزش کارکردی : نیاز به استفاده

ویژگی های مشاهده گر : ظرفیت حسی ، سطح برانگیختگی ، آمادگی ادراکی ، تقویت پیشین و ...

مرحله دوم : به یادسپاری

رمزگردانی نمادی
سازمان یا نقشه شناختی
مرور شناختی
مرور عملی

ویژگی های مشاهده گر

مهارت های شناختی
ساختمان شناختی

مرحله سوم : تولیدی

بازنمایی شناختی
مشاهده اجرای عمل
اطلاعات بازخوردی
جوړ کردن مفهومی

ویژگی های مشاهده گر

استعداد جسمی
خرده مهارت ها

مرحله چهارم : انگیزشی

مشوق های بیرونی

حسی ، عینی یا ملموس ، اجتماعی ، کنترلی
مشوق های جانشینی
مشوق های شخصی
عینی یا ملموس ، ارزشیابی شخصی

ویژگی های مشاهده گر

رجحان مشوق ها ، سوگیری مقایسه ای اجتماعی ، معیارهای درونی

نکاتی در تقویت

یادگیری مشاهده ای بدون تقویت نیز صورت می گیرد.

تقویت و تنبیه بر انگیزش یادگیرنده برای عمل کردن تاثیر دارند نه بر یادگیری.

عوامل انگیزشی از سه طریق بر یادگیری مشاهده ای تاثیر می گذارند.

الف : یادگیری رفتارهای سرمشق که پیامدهای مثبت دارد بهتر یاد گرفته می شود.

ب : رفتارهایی که برای یادگیرنده پیامد مثبتی دارد بر سایر رفتارها ترجیح داده می شود.

افراد رفتارهایی را انجام می دهند که برایشان رضایت بیشتری فراهم می کند.

تقویت یا تنبیهی که متوجه سرمشق می شود ، مستقیماً متوجه یادگیرنده نیست . اما بر رفتار یادگیرنده تاثیر می گذارد . این نوع تقویت را تقویت جانشینی گفته اند .

تشویق یا تنبیه یک دانش آموز ، احتمال انجام آن رفتار را در سایر دانش آموزان افزایش یا کاهش می دهد.

مثالهای موردی

۱- معلم خواه ناخواه یک الگو و سرمشق است . رفتارها و مهارتهای تازه مانند ، تلفظ لغات ، ایجاد فرصت مساوی ، رعایت مساوات ، حل مسائل درسی ، شیوه لباس پوشیدن ، شیوه های مورد خطاب قرار دادن و علاقه و اشتیاق خود معلم به درس ، ... همگی نوعی مشوق هستند .

۲- کودکان در خزانه رفتاری خود ، یادگیریهایی دارند که باید شرایط ظهور آن فراهم شود . کودکان وقتی در گروه قرار می گیرند ، مشوق های گروهی موجب پدید آمدن رفتارهایی می شود که قبلاً وجود نداشته است .

۳- وقتی دانش آموزان مقررات را زیر پا می گذارند و به خاطر این عمل تنبیه نشوند ، و یا دانش آموزانی که در راستای اهداف پرورشی فعالند ، مورد توجه قرار نگیرند ، ممکن است **اثر موجی** ایجاد شود و به همه سرایت کند ، معلم می تواند از این ویژگی به نحو مطلوب استفاده کند . به ویژه کودکانی که در جمع نقش رهبری دارند باید شناسایی شوند .

انگیزش

لازم است چند واژه را قبلاً مورد توجه قرار دهیم .

انگیزش : حالت های درونی ارگانیسم است که موجب هدایت رفتار او به نوعی هدف می شود .

انگیزه : علت اختصاصی یک رفتار مشخص است .

انگیزش هم هدف است هم وسیله

بازتاب : رابطه میان یک محرک و پاسخ . .

غریزه : رفتاری پیچیده ، ارثی و نا آموختنی است که در همه اعضای یک گونه جاندار وجود دارد .

نیاز : حالت محرومیت فیزیولوژی بافت ها است .

سائق : حالتی از برانگیختگی است که تحت تاثیر یک نیاز زیستی بوجود می آید . (اتکینسون و همکاران ، زمینه روان شناسی ، ص

۵۰۸ به بعد)

نظریه برانگیختگی : تحریکات درونی و بیرونی که سطح بهینه انگیزتگی را بیش از حد تغییر می دهند ، موجب

می شوند تا جاندار برای برقراری مجدد تعادل دست به کاری بزند . رفتارهایی که عادت شده اند ، در هر سطح

برانگیختگی صورت می گیرند ، همانند رانندگی یک راننده تاکسی . تکالیف پیچیده هنگامی که انگیزتگی بهینه است ، در حد بهینه

به عمل می آید برای مثال وقتی کودک به هر دلیلی (مانند سرزنش یا ترس) در سطح بالا یا پایینی از نظر برانگیختگی باشد ، توان

حل مساله یا پاسخگویی او کاهش می یابد. برخی از تکالیف نیز زمانی بهترین عملکرد را دارند که فرد در بالاترین سطح برانگیختگی باشد. برای مثال معلمی را در نظر بگیرید که کودکی را مضروب می کند، او الزاما باید در حد بالایی از برانگیختگی باشد. براساس این نظریه به تعادل رساندن سطح برانگیختگی، تقویت کننده است. معلمان با تجربه می توانند رفتارهای کودکان را پس از شنیدن تهدیدها و ترغیب ها را به خاطر بیاورند که به منظور کاهش سطح برانگیختگی است، این رفتارها می تواند شامل غر زدن، لگد یا مشت زدن به اشیاء یا دیگران و... باشد. مشابه این شرایط نیز در سطح برانگیختگی پایین وجود دارد، کودکی که به شیوه های گوناگون تلاش دارد تا از چرت زدن خود جلوگیری کند.

طبقه بندی نیازها (مازلو)

نیازهای کمبود

- نیازهای زیستی
- نیاز به امنیت
- نیاز به تعلق
- نیاز به ارزشمندی، عزت نفس و احترام به خود

نیازهای رشدی یا وجودی

- نیاز به پیشرفت فکری، دانستن و فهمیدن
- نیاز زیبایی شناختی، عدالت، خوبی، حقیقت
- نیاز به خود شکوفایی

طبقه بندی نیازها (هرزبرگ)

عوامل بهداشتی	عوامل انگیزشی
پادشهای پولی	توفیق در انجام کار
سرپرستی لایق و شایسته	قدردانی
خط مشی و اداره امور	مسئولیت
شرایط کار	ترقی

نظریه اسناد

فرض اساسی نظریه اسناد این است که مردم مایل اند به روابط و علت ها پی ببرند. مردم برای پدیده های طبیعت تبیین هایی دارند. به همین قیاس نیز بر اساس ذهنیات خود، تصویری از موفقیت ها و شکست های خود و یا رفتار دیگران تبیین هایی دارند. مردم در اسناد پدیده ها از اسنادهای بیرونی یا درونی استفاده می کنند. از بعد دیگر مردم دارای اسناد پایدار یا ناپایدار هستند.

مثال موردی: تشویق ها و یا تنبیه های معلم یا مدرسه می تواند منجر به پدید آمدن اسنادهای گوناگون در کودکان شود. برخی معلمان گمان می کنند با اهرم نمره، قادرند به تشویق و تنبیه کودکان مبادرت کنند، باید توجه داشت، اسنادی که کودکان از این کار دارند، بسیار مهم است، وقتی کودک برای مدت زیادی مورد سرزنش و تنبیه قرار می گیرد، بدو امر آن را به عوامل بیرونی نسبت می دهند، اما پس از مدتی آن امر را به خود نسبت می دهند. به همین دلیل به معلمان توصیه می شود که رفتار را باید سرزنش کرد نه فرد را. دو عبارت "تنبلی بد است" و "تو تنبلی" خیلی با هم تفاوت دارند، به همین قیاس به هنگام تشویق، ما رفتار را تشویق می کنیم تا برای کودک مشخص شود که به چه دلیل مورد تشویق قرار گرفته است.

پیوست ۴

انواع پاداش و تنبیه

در مجموع دو نوع پاداش و تنبیه وجود دارد که کودک به واسطه کلاس یا مدرسه دریافت می کند، پاداش ها (تنبیه هایی) که به واسطه یادگیری حاصل می شود، که آنها را پاداش ها (تنبیه های) درونی می نامیم. این دسته از پاداش ها (تنبیه ها) بر موارد غیر ملموس از قبیل احساس صلاحیت، اتمام کار، خود شکوفایی مبتنی هستند.

نوع دوم پاداش ها (تنبیه های) بیرونی هستند. کودکان این پاداشها (تنبیه ها) را از معلم، مدرسه، هم کلاسیها و والدین دریافت می کنند.

امکانات موجود برای تشویق و تنبیه

مشوق های درونی :

- ایجاد فرصت یادگیری : مطالعات نشان داده اند که یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار ، ایجاد فرصت های یادگیری برای کودکان است .
- ارائه تکالیف متناسب با کودک : تکالیف دشوار و یا بسیار ساده ، احساس پاداش درونی را از کودک می گیرند .
- معنی دار سازی : همین که موضوعی با ساخت شناختی کودک همخوان باشد ، یک مشوق است . مطالبی که طوطی وار تدریس می شوند ، یک تکلیف آزار دهنده برای کودک تلقی می شوند .
- مشخص کردن انتظارات : هنگامی که برای کودک ، انتظارات کلاس و مدرسه روشن باشد ، رفتار متناسب با آن را انجام می دهد . برخی از کودکان تنبیه می شوند ، فقط به دلیل آن که نمی دانند و یا نمی دانسته اند که چه باید انجام دهند .
- برخورد عادلانه : یکی از منشاء های اختلال در کلاس و رفتارها ، احساس تبعیض است . احساس تبعیض با وجود تبعیض متفاوت است . رفتار انسانها به هنگام احساس تبعیض متفاوت است .
- توجه به نیازها : تردیدی نیست کودکی که خواب کافی نداشته ، احساس عدم امنیت دارد ، مورد پذیرش نیست و یا ... می تواند با تنبیه مواجه شود . به دلیل آن که عامل تاثیر گذار حذف نشده است ، تدابیر معلم راه به جایی نخواهد برد .
- ایجاد عاطفه مثبت : کودکان به تدریج خود پنداره تحصیلی می یابند . منشاء این خود پنداره تحصیلی به مقدار زیادی وابسته به عملکرد معلمان ، داوری های همکلاسیهاست . کودکانی که خود پنداره تحصیلی مثبتی دارند ، از مشوق ها درونی بیشتری برخوردار می شوند .
- پرهیز از یکنواختی : تغییرات مناسب در جو یاددهی _ یادگیری ، مشوقی برای یادگیری و برقراری نظم کلاسی است .
- رقابت میان کودکان : از ایجاد رقابت های بین فردی و بین گروهی باید پرهیز کرد . کودکان باید بیاموزند که همانند انگشتان یک دست هستند ، که با هم توانمندی بیشتری می یابند .
- توجه به کوششهای فردی : وقتی معلم تمامی کوششهای فردی _ اعم از مثبت یا منفی _ را مد نظر دارد _ بدون پاداش یا تنبیه _ کودکان رفتار خود را تنظیم می کنند .

مشوق های بیرونی :

مهارتهای ارتباطی معلم

نکته : موارد زیر ابزارهای تشویق و تنبیه هر معلم هستند ، معلمانی که برای یک تشویق یا تنبیه تمامی مهارتهای کلامی و غیر کلامی خود را صرف می کنند ، همانند سربازانی هستند که برای زدن یک هدف ، همه مهمات خود را به کار می برند .

- ویژگی های معلم : از نظر ظاهر و لباس به خود توجه کنید ، لحنی مودبانه داشته باشید ، بر ضوابط و مقرراتی که وضع شده پای بند باشید ، کار خود را سبک نگیرید ، به کارتان علاقه نشان دهید ، از رفتارها و گفتاری که نقش اجتماعی معلم را می کاهد پرهیز کنید ، به دانش آموز ارتباطی ندارد که حقوق شما ، یا رابطه شما با مدیر ، یا اعتراض شما به محتوای درسی و ... چیست ؟ عدم توجه به این موارد شما را وادار به تشویق یا تنبیه هایی می کند که ضرورتی ندارند .
- نگاه کردن : اگر معلم نگاه خود را در کلاس توزیع کرده باشد ، نگاه او یک وسیله قوی تشویق و تنبیه بیرونی است . توقف نگاه بر کوشش یک فرد تشویق و یا تنبیه است . توقف نگاه نباید خیلی طولانی باشد ، همین قدر که کودک توقف نگاه را به خوبی متوجه شود ، کفایت می کند .
- حالت چهره : حالت چهره نیز ، دارای پیام تشویق و تنبیه است . وقتی کسی در کلاس مزه پرانی بی مورد می کند ، چهره معلم ، یکی از مواردی است که توقف یا تداوم آن را نشان می دهد .
- حرکت اندام ها : هر یک از اندام ها به تنهایی و یا باهم ، پیام تشویق و یا تنبیه دارند . وقتی دانش آموزی در حال پاسخ دادن است ، وضعیت دستهای شما پیام دارند ، دستان خود را به پشت ببرید ، زیر چانه بگذارید ، به صورت دایره کوچک حرکت دهید ... هر کدام جنبه تشویق و یا تنبیه دارند . همین مورد را در مورد حرکت سر در نظر بگیرید ... حالت کلی بدن نیز چنین است ، وقتی به سمت کودکی که سوال می پرسد ، به اندازه معقولی خم شوید ، به معنی تشویق به ادامه سوال است ، خم شدن زیاد از حد ، جنبه تهدید دارد و لمیدن ، به معنی این است که تمام کن ، حوصله ندارم .
- حرکت کردن : مطالعات نشان داده اند که معلمانی که در مکانی ثابت می مانند ، بخش هایی از کلاس بیشتر مورد توجه آنها قرار می گیرد و بر عکس، به همین دلیل تغییر جا توصیه می شود . حرکت کردن به سوی کودکی که به فعالیتی مشغول است ، می تواند دارای پیام باشد ، وقتی دو نفر در گوشه ای مشغول حل مساله هستند و یا به فعالیتی خارج از

برنامه مشغولند ، حرکت معلم به سوی آنها تشویق و یا ابلاغ خاتمه است . توصیه می شود ، وقتی پیام به خوبی توسط کودک یا کودکان دریافت شد ، ارائه پیام متوقف گردد . در صورتی که کودکان به شدت مشغول فعالیت هستند ، حرکت معلم می تواند تا همجواری ، دست گذاشتن روی میز یا صندلی کودک ، دست گذاشتن روی شانه کودک ادامه پیدا کند .

مهارتهای کلامی :

- تن ، آهنگ ، شدت کلام : شیوه ادای کلمات می تواند جنبه تشویقی یا تنبیهی داشته باشد ، گاهی اوقات ، ادای کلمه " بفرمایید " آنچنان است که شنونده کلمه " بنشین " را به آن ترجیح می دهد . کلمه " آفرین " بسته به لحن گوینده می تواند تشویق و یا تمسخر و یا تنبه تعبیر شود . بسیاری از سخنوران از این مهارت بهره مندند .
- واژگان : در هر فرهنگ ، واژگان ضمن آن که بار معنایی خاص دارند ، جایگاه گوینده ، مکان و زمان نیز در بار معنایی آن سهیم است . کلمه هایی چون " رفیق " ، " دوست " ، " یار " بسته به موقعیت بار معنایی خاص دارند . کاربرد نابجای همین سه واژه می تواند ، تمسخر را القا کند واژگان معلم باید فاخر _ نه مغلق و پیچیده و نه عوامانه و لمپنی _ باشد . به کاربردن واژه های طنز برنامه های تلویزیونی ، به هیچ وجه نمی تواند توجیهی برای تشویق یا تنبیه گر بودن آنها باشد
- طول کلام : تشویق و یا توبیخ کلامی باید کوتاه ، موثر و نافذ باشد . هیچ ضرورتی ندارد که بی جهت دقایقی برای سخنرانی درباره مزار و یا منافع رفتاری صرف شود . جالب این که برخی از معلمان کودکان را از این طریق شرطی کرده اند و کودکان هنگامی که خسته می شوند ، ناخودآگاه رفتاری نشان می دهند که معلم مدتی درس را رها کند و به وعظ و خطابه پردازد .
- زمان ارائه واژگان : هر چه از نظر زمانی فاصله تشویق و یا توبیخ کلامی با رفتار کمتر باشد ، تاثیر آن قوی تر است .
- سکوت : به هنگام صحبت و تدریس ، مکثها و سکوت ، می تواند جنبه تنبه داشته باشد .
- جهت کلام : حتی الامکان از تهدید و سرزنش _ به ویژه جمعی _ باید پرهیز کرد . توصیه می شود که عدم رضایت خود را با مشخص بودن رفتار اعلام کنید . " من از نتایج امتحان دیروز شما راضی نیستم " با عبارت " شماها کی می خواهید درس بخوانید ، اگر درس نخوانید تجدید می شوید و تابستانتان خراب می شود ، من جواب پدر و مادر شما را چه بدهم " خیلی تفاوت دارد قبلاً اشاره شد که رفتار را نکوهش کنید نه فرد را

امکانات بیرون از معلم و کودک

- نمره : نمره به دلیل آن که تایید یا توبیخ والدین ، همکلاسی ها و مدرسه را دربر دارد ، از جنبه انگیزشی بالایی برخوردار است . نمره را باید به عنوان وسیله ای برای بازخورد دادن در مورد امتحانات ، نحوه عملکرد و میزان یادگیری استفاده کنید . استفاده از نمره به عنوان وسیله تهدید و باج دادن برای برقراری نظم ، نشانه ضعف معلم در مدیریت کلاس است .
- اولیای مدرسه : تا جایی که ممکن است ، مشکلات رفتاری معمولی _ مانند عدم انجام تکالیف _ را در کلاس حل کنید و اولیای مدرسه معلمانی را که دائم کودکان را به آنها ارجاع می دهند ، نمی پسندند . در صورتی که کودک دارای اختلال رفتاری است ، حتماً کودک را به اولیای مدرسه ارجاع دهید و تلاش نکنید کار درمانی انجام دهید . اما حتماً و حتماً کوشش های مثبت و مفید دانش آموزان را به اولیای مدرسه به طور مستمر گزارش کنید . شایسته است که کودک از این تدبیر شما آگاه شود .
- والدین : بدون تردید والدین در زمینه های انگیزشی و تشویق و تنبیه نقش موثری دارند . کوشش های مثبت کودک را به طور مستمر به اولیاء منعکس کنید . اگر اصلاح رفتاری نیازمند مداخله والدین است ، قبل از هر چیز از سطح آگاهی ها و توانمندی های والدین آگاهی کافی به دست بیاورید .

جایزه (از فاطمه شبیری)

- در طول سالیان متممادی ، مطالعات نشان داده اند که ، برنامه های تغییر رفتار ، بندرت توانسته اند تغییرات پایداری در نگرش ها یا حتی در رفتار افراد ایجاد کنند . تا وقتی افراد را تشویق کنید ، آنها پیشرفت می کنند ، اما معمولاً به محض این که دست از تشویق بردارید ، آنها به نقطه پیش از شروع برنامه برمی گردند . تعجب آورتر این که ، بتازگی محققان دریافته اند : کودکانی که والدینشان مکرراً از جایزه استفاده می کنند ، نسبت به همسالان خود کمتر خلاق و مولد هستند .
- در واقع ، تشویق ، سائق های بیرونی و تعهدات عاطفی یا شناختی را که زمینه رفتارند - لاقابل در جهت مطلوب - تغییر نمی دهد ، کودکی که قول داده خوب درس بخواند یا مسوولانه عمل کند ، وقتی دیگر جایزه ای در کار نباشد ، دلیل کافی برای توقف کار خود دارد . در حقیقت تحقیقات نشان می دهد - و البته منطقی نیز هست - که تنبیه و تشویق در واقع متضاد هم نیستند ، بلکه دو روی یک سکه اند . هر دو راهبرد ، سعی می کنند رفتار افراد را تغییر دهند ، اما در تنبیه توجه فرد به این

سوال معطوف می‌شود که: از من می‌خواهند چه کاری انجام دهم و اگر این کار را نکنم برای من چه اتفاقی می‌افتد؟ و در تشویق فرد به این سوال سوق داده می‌شود که: «از من می‌خواهند چه کاری انجام دهم و اگر این کار را نکنم چه چیزی نصیب می‌شود؟» ولی، هیچکدام از این دو راهبرد، به کودک کمک نمی‌کنند، که از خود بپرسد: «من دوست دارم و دلم می‌خواهد چگونه فردی باشم؟»

جایزه در تقابل با پیشرفت

- جایزه‌ها، حتی به اندازه تأثیر کمی که در پرورش ارزش‌های خوب داشتند، در مورد کمک به پیشرفت مؤثر نیستند. پژوهش‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، افرادی که برای تکمیل یک تکلیف (یا برای انجام موفقیت‌آمیز آن) منتظر دریافت پاداش هستند، عملکردشان بخوبی افرادی نیست که منتظر هیچ جایزه‌ای نیستند. در واقع هرچه در یک تکلیف پیچیدگی شناختی و تفکر باز بیشتری لازم باشد، اگر افراد برای کسب جایزه کار کنند، عملکرد بدتری خواهند داشت. یکی از مهمترین دلایل آن، این است که:
- جایزه باعث می‌شود مردم علاقه خود را به آنچه برای انجام آن جایزه می‌گیرند، از دست دهند. در حقیقت انگیزه درونی (یعنی تمایل به یک کار، به خاطر خود آن کار) ماهیتاً با انگیزه بیرونی (یعنی تکمیل یک کار، به خاطر به دست آوردن چیزی دیگر) تفاوت دارد. بنابراین، سوالی که مریبان باید بپرسند، این نیست که: «انگیزه بچه‌ها چقدر است؟»، بلکه سوال مهم‌تر، این است که: «انگیزه بچه‌ها از چه نوعی است؟» به مثال زیر توجه کنید:
- در یک مطالعه، به بچه‌ها یک آشامیدنی ناآشنا ارائه شد که آن را «کفیر» می‌نامیدند. از گروهی از آنها، فقط خواستند آن را بنوشند. گروه دوم، به خاطر آشامیدن آن، مورد تعریف و تمجید فوق‌العاده واقع شدند و به گروه سوم، قول داده شد که اگر به مقدار کافی از آن بنوشند، جایزه‌ای خواهند گرفت. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، گروهی که هم تشویق کلامی و هم غیرکلامی دریافت کرده بودند، بیش از سایرین از آن نوشیدنی، نوشیدند. اما جالب اینجاست که، همین افراد، یک هفته بعد به طور قابل ملاحظه‌ای تمایل کمتری به نوشیدن آن نشان دادند. اما افرادی که، هیچ جایزه‌ای نگرفته بودند، اگر نگوئیم بیشتر مایل بودند، لاقلاً به همان میزان قبل، تمایل به نوشیدن آن داشتند.
- اگر فرضاً مطالعه یا انجام تمرین‌های ریاضی و ... را به جای نوشیدن «کفیر» قرار دهیم، می‌توانیم قدرت مخرب جایزه را، تا حدودی درک کنیم. یافته‌ها نشان می‌دهند هر چه بیشتر بخواهیم بچه‌ها کاری را انجام دهند، جایزه دادن به آنها برای انجام آن کار، زیان‌بارتر خواهد بود.
- علاوه بر این، دانش‌آموزانی که تشویق می‌شوند به نمره، برچسب، ماه و ستاره یا انواع دیگر خروس قندی (!) فکر کنند، تمایل کمتری به کشف ایده‌ها، تفکر خلاق و استفاده از فرصت‌ها دارند.
- پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که نشان می‌دهند، افرادی که به آنها قول جایزه داده می‌شود، عموماً ساده‌ترین تکلیف ممکن را انتخاب می‌کنند، در حالی که در غیاب جایزه، بچه‌ها معمولاً تمایل دارند کارهایی را انتخاب کنند که لاقلاً، کمی بالاتر از حد توان کنونی آنهاست.
- پس می‌توان گفت پاسخ سوال «آیا جایزه موجب برانگیختن دانش‌آموزان می‌شود؟» این است: قطعاً جایزه به بچه‌ها انگیزه می‌دهد، اما متأسفانه، هزینه به دست آوردن این نوع انگیزه، در حقیقت از دست دادن علاقه آنها به کاری که انجام می‌دهند و انجام کار به نحو احسن است.

نویسنده: فاطمه شبیری

امکانات محیطی

- بسیاری از امکانات در کلاس وجود دارد که در اختیار همه کودکان قرار می‌گیرد. این‌ها مشوق‌هایی است که در اختیار همه قرار دارد. تردیدی نیست که فراهم کردن فضای مناسب، میز و نیمکت خوب، ساعت استراحت، متعادل‌سازی دما از نمونه‌های فیزیکی، ایجاد فرصت آموزشی، روی گشاده، تدریس، مشارکت در کارهای گروهی و امثال آنها بخشی از وظایف نظام آموزشی است، اما تا زمانی که فرد از آنها محروم نشود، به ارزش آنها پی نخواهد برد. هدف از **محروم سازی** تحقیر و یا تنبیه کودک نیست، بلکه تنبیه او به ارزش وجودی امکاناتی است که در اختیار دارد. باید توجه داشت که محروم سازی به معنی ایجاد فرصت برای رها شدن کودک از محیطی فشارزا نیست. اخراج دانش‌آموز از کلاس الزاماً محروم سازی و یا تنبیه محسوب نمی‌شود.
- **جریمه کردن** یک روش اصلاحی است. کودکی که به اموال مدرسه یا کودکان دیگر لطمه وارد می‌کند، باید خطای خود را جبران کند. جریمه‌هایی که برخی معلمان برای غلط‌های دیکته دانش‌آموزان در نظر می‌گیرند، در حقیقت

جریمه نیست ، تنبیه است . محروم سازی و جریمه باید متناسب با رفتار باشد ، کودک باید در شرایطی قرار گیرد که رفتارهای مورد تایید را مشاهده کند .

تنبیه ، تنبیه ، تنبیه

تنبیه روشی مکروه است که گاهی ناچار به اعمال آن هستیم . مراد ما از تنبیه ، ضربه زدن ، توهین و تمسخر نیست بلکه واکنشی به یک بد رفتاری مهم و تاثیر گذار به منظور اصلاح رفتار است . لذا اگر ضرورت ایجاد شد ، رعایت نکات زیر مفید است :

- ۱- وقتی عصبانی و یا به شدت ناراحت هستید ، اقدام به تنبیه نکنید .
- ۲- دلیل خود را برای تنبیه کودک بیان کنید . زیرا ممکن است آنها فکر کنند انگیزه شما شخصی است و یا ناتوان از اداره امور هستید ، نه این که رفتار بدی از آنها سر زده است .
- ۳- کودکان باید بدانند که چه می توانند انجام دهند که تنبیه نشوند .
- ۴- رفتار نامطلوب را قبل از شکل گیری کامل تنبیه کنید ، زمانی که رفتار شکل گرفت ، و دانش آموز از آن لذت برد ، کمی دیر است . کودکی که شروع به زدن همکلاسی می کند ، در همان ابتدا باید با تدبیر شما مواجه شود .
- ۵- برای دانش آموز تنبیه شده روشن کنید که چه باید انجام دهد .
- ۶- تنبیه را به تمام ابعاد وجودی کودک نسبت ندهید ، تنبیه برای یک رفتار مانع تشویق برای یک رفتار دیگر نیست . برخی از والدین از قهر کامل استفاده می کنند .
- ۷- مهار تنبیه را از نظر شدت ، طول زمانی در اختیار بگیرید . تا بتوانید به موقع آن را حذف کنید .
- ۸- پرونده تنبیه برای کودک نسازید .

جو کلاسی _ پیش فرض ها

- فرد نه تنها نیاز به ارضا دارد ، بلکه باید محدودیت هایی را که جهان مادی بر این ارضا اعمال می کند نیز بشناسد و همچنین باید یاد بگیرد که سایر انسانها نیز به دنبال ارضای نیازشان هستند . مازلو . ۱۹۶۸
- دانش آموزان مجبورند تا حدودی بر خود تسلط داشته باشند.
- ممکن است چیزهایی را باید یاد بگیرند که به آن علاقه ای ندارند.
- باید با این واقعیت سازگار شوند که دیگران نیز در جستجوی ارضای نیاز خود هستند.
- بهترین معلم ها هم در برقراری شرایط یاددهی - یادگیری و محدودیت های کلاسی ، حداقلی از مشکلات را خواهند داشت.
- دانش آموزان از ابعاد گوناگون متفاوتند . پیشینه خانوادگی ، هوش و استعداد ، شخصیت ، توانایی ها ، ویژگیهای جسمی و عاطفی ...
- اگر منظور از انضباط این است که بگذاریم کودک یاد بگیرد که محدودیتها و نظارت هایی وجود دارد که جامعه بر افراد اعمال می کند و کودکان نیز از این نظارت ها مستثنی نیستند ، به نظر می رسد که هیچ دلیل معقول روان شناختی برای پرهیز از نظارت وجود ندارد . در واقع به نظر می رسد چنین انضباطی بخش مهمی از تعلیم و تربیت باشد . وودرینگ . ۱۹۵۳
- اگر تحسین دانش آموزان را بر نمی انگیزید دست کم احترامشان را جلب کنید .
- آن چه را تدریس می کنید آن چنان برایشان جذاب کنید که به فکر ایجاد دردرس در کلاس نیفتند.
- اگر شما را دوست داشته باشند ، مایلند خشنودتان کنند ، یعنی نمی خواهند با ایجاد دردرس شما را از خود ناخشنود کنند.

ملال

گاهی دانش آموزان به دلیل خستگی ایجاد دردرس می کنند. اگر آنان بدانند که چه کاری باید انجام دهند ، اگر در راستای اهداف مشغول باشند ، اگر کلاس درس با معنا و جالب باشد ، اگر تکالیف در سطح توان آنان باشد ، اگر تنوع فعالیت وجود داشته باشد ، به چیز دیگری فکر نخواهند کرد.

ناکامی و تنش

یادگیری به تلاش نیاز دارد . دانش آموزان تا حدی در این مورد مقاومت می کنند . تحمیل دروس وجود دارد . فرد باید محدودیت هایی را بپذیرد . در نتیجه: فرد دچار تعارض ، ناکامی و تنش می شود . در چنین شرایطی ؛ اوقات استراحت را بیشتر کنید ، سرعت پیشرفت را تغییر دهید . اجازه فعالیت و بحث بیشتری بدهید.

نیاز به توجه

گاهی بد رفتاری دانش آموز به منظور جلب توجه و مطرح شدن است . برای او موقعیت های قانونی فراهم کنید . او را به رقابت با خود ترغیب کنید . موفقیت ها و موارد مثبت او را جلوه دهید . توانایی های مختلف او را به رسمیت بشناسید.

برقراری انضباط کلاسی

- قوانینی برای کلاس داشته باشید . اگر از دانش آموزان کمک بگیرید نتیجه مطلوب تری خواهد داشت.
- صمیمی ولی قاطع باشید . با اطمینان عمل کنید . به ویژه در اولین روز .
- از قبل شیوه های نفوذ را طراحی کنید.
- اگر با دانش آموزی به خشونت رفتار کردید ، دوباره ارتباط برقرار کنید.
- از تهدید کردن خودداری کنید.
- سریع العمل ، قاطع و منطقی باشید.
- استفاده از شیوه های تغییر را در نظر داشته باشید.
- از سرزنش کردن جمعی پرهیز کنید.
- وقتی کنترل کلاس برقرار شد ، کمی کوتاه بیاید.
- آن چه را که در مباحث رشد و یادگیری خوانده اید ، به موقع به کار گیرید.

مهارت‌های رفتاری

- به خطا کار خیره شوید.
- سکوت کنید و به کلاس خیره شوید.
- سر خود را به علامت رد تکان دهید.
- لحن صدای خود را تغییر دهید.
- جمله محترمانه در رد رفتار بدون اشاره به فرد بگویید.
- به طرف دانش آموز بروید و کنارش بایستید.
- دست خود را روی شانه دانش آموز بگذارید.
- ارتباط میان رفتار و نتایج را توضیح دهید . توضیح دادن با نصیحت و سرزنش تفاوت دارد .
- انتقاد از دانش آموز را با خود او انجام دهید . در صورت نیاز به سرمشق گیری دیگران ، از تحقیر و تمسخر به شدت پرهیز کنید.
- تعجب خود را از بروز رفتار نشان دهید.
- وقتی دانش آموزی قوانین را می آزماید ، جدی باشید.
- به هنگام درگیر شدن دو دانش آموز ، بسیار مسلط و آرام آن ها را جدا کنید.
- اگر بد رفتاری یک خلاف است ، دانش آموز باید دین خود را به جامعه بپردازد . محروم سازی متناسب با خلاف لازم است.
- اگر به تذکرات شما بی اعتنایی شد ، برای چند جلسه امتیازی را بگیرید . مثلاً تردد در کلاس ، یا پیچ کردن مانند فوتبال وقت تلف شده بگیرید.
- به خستگی کلاس توجه داشته باشید ، قبل از آن که دچار عوارض آن شوید.
- اگر شیوه های ملایم تر موثر نبود ، در حضور کلاس گفت و گوی دو نفره برقرار کنید . بخواهید که دلایل خود را توضیح دهد . شما به سهم خود توضیح دهید که چرا مایل به توقف رفتار هستید . اگر احساس پشیمانی مشاهده کردید و یا عذر خواهی ، بدون منت بپذیرید . در این روش باید به گونه ای عمل کنید که به موقعیت شما لطمه وارد نشود . بهتر است بیشتر شنونده باشید تا بازجو و بازپرس.
- از درگیر شدن با دانش آموز ، لفظی و جسمی پرهیز کنید . به جای مبارزه طلبی و نشان دادن قدرت ، به نیروی خارج از کلاس متوسل شوید . این جزیی از وظایف آنان است . تلاش کنید که به این مرحله نرسید
- وقتی مشکل عمومی می بینید ، در رفتار خودتان هم به دنبال تقویت کننده آن باشید.
- در برخی موارد ندیدن رفتار نا مناسب ، تصمیم مناسب است.

رهنمودهایی برای تحسین موثر

تحسین ناموثر	تحسین موثر
۱- تصادفی و غیر منظم داده می شود .	۱- به صورت مشروط داده می شود .
۲- محدود به واکنشهای کلی مثبت است .	۲- جزئیات موفقیت یا رفتار مطلوب را مشخص می کند .
۳- همیشه به یک صورت است ، که نشان دهنده پاسخ عادی	۳- متناسب با شرایط ، متنوع و دارای علایم واقعی بودن است

- نشان دهنده توجه دقیق به کارهای موفقیت آمیز دانش آموز است .
- ۴- دستیابی به ملاکهای مشخص شده ای برای عملکرد یا تلاش را پاداش می دهد .
- ۵- به کودکان درباره کیفیت یا ارزش کارهای موفقشان اطلاعاتی می دهد .
- ۶- کودک را به سمت درک بهتر رفتار مربوط به فعالیت آموزشیشان و تفکر درباره حل مساله سوق می دهد .
- ۷- از موفقیت‌های پیشین خود کودک ، به منزله متنی برای توصیف موفقیت‌های کنونی استفاده می کند .
- ۸- به منزله تایید تلاش قابل توجه یا موفقیت در تکلیفی مشکل (برای کودکی خاص) داده می شود .
- ۹- موفقیت را به تلاش و توانایی نسبت می دهد و نشان می دهد که می توان در آینده موفقیت‌های مشابهی انتظار داشت .
- ۱۰- اسنادهای درونزاد را ترویج می کند (کودکان بر این باور می شوند که به این دلیل تلاش خود را صرف تکلیف یا فعالیتی می کنند که از آن لذت می برند و یا می خواهند مهارتهایی در رابطه با آن کسب کنند) .
- ۱۱- توجه کودکان را به رفتارهای مرتبط با تکلیف آنها جلب می کند .
- ۱۲- به کودکان می آموزد پس از پایان فرایند ، رفتار مرتبط با تکلیف را قدر بدانند و در اسندهایشان درست داوری کنند .
- (لفرانسوا ، ص ۴۷۲)
- همراه با کمترین توجه است .
- ۴- به صرف مشارکت پاداش می دهد ، بدون توجه به فرآیند ها یا پیامدهای عملکرد
- ۵- یا هیچ اطلاعاتی در اختیار نمی گذارد یا اطلاعاتی درباره منزلت کودک می دهد .
- ۶- دانش آموزان را به سمت مقایسه خودشان با دیگران و اندیشیدن به رقابت سوق می دهد .
- ۷- از موفقیت‌های هم‌تایان به منزله زمینه ای برای توصیف موفقیت‌های کنونی کودکان استفاده می کند .
- ۸- بدون توجه به تلاش صورت گرفته یا معنای موفقیت داده می شود .
- ۹- موفقیت را به توانایی یا به عواملی بیرونی مثل شانس یا ساده بودن تکلیف نسبت می دهد .
- ۱۰- اسندهای برونزاد را ترویج می کند (کودکان بر این باور می شوند که به دلایل بیرونی برای انجام تکلیف تلاش می کنند _ برای خوشحال کردن معلم ، = پیروزی در رقابت ، پاداش و ...) .
- ۱۱- توجه کودکان را به سوی معلم به منزله عامل مقتدر بیرونی جلب می کند .
- ۱۲- فرایند جاری را قطع کرده توجه کودکان را از رفتار مرتبط با تکلیف منحرف می کند .

پیوست ۵ : برای مطالعه

قبل از دبستان و کودکتان

خصوصیات بدنی

- ۱- کودکان قبل از دبستان فوق العاده پر جنب و جوشند . این کودکان کنترل بدنی خوبی دارند . از فعالیت ، برای نفس آن لذت می برند .
- ۲- کودکان کودکتانی ، به دلیل تمایل به حداکثر فعالیت در هر دوره بازی ، به دوره های متعدد استراحت نیازمندند . آنها معمولا نیاز به استراحت را تشخیص نمی دهند .
- ۳- ماهیچه های بزرگ کودکان ، رشد یافته تر از ماهیچه های انگشتان و دستهای آنان است . بنابراین ممکن است در انجام کارهایی مانند بستن بند کفش ، دکمه لباس و کارهای ظریف بی مهارت و ناتوان باشند .
- ۴- برای کودکان کودکتانی تمرکز بر اشیای کوچک مشکل است ، از این رو ممکن است هماهنگی دست و چشم آنها کامل نباشد .
- ۵- اگرچه بدن کودکان انعطاف پذیر است ، استخوانهایی که مغز را محافظت می کند ، هنوز نرم است . مراقبت و پرهیز از هرگونه ضربه به سر ، به ویژه در مشاجرات کودکان ضرورت دارد .
- ۶- اگر چه پسرها از نظر جثه بزرگترند ، رشد دخترها در سایر زمینه ها ، مخصوصا در مهارتهای حرکتی ظریف ، جلوتر است . باید از مقایسه ها و رقابتهایی که متضمن تفاوت دو جنس است پرهیز کرد .
- ۷- عادت استفاده از یک دست در اکثر آنان ایجاد شده و نود درصد آنان از دست راست استفاده می کنند .

خصوصیات اجتماعی

- ۱- بیشتر کودکان ، یک یا دو دوست بسیار نزدیک دارند ، ولی این دوستیها به سرعت تغییر می کند . کودکان کودکستانی از نظر اجتماعی کاملاً انعطاف پذیر به نظر می رسند ، معمولاً مایلند و می توانند با بیشتر کودکان کلاس بازی کنند .
- ۲- گروههای بازی معمولاً کوچک است و چندان سازمان یافته نیست ، بنابراین به سرعت تغییر می کند . از این که کودکان پیوسته از فعالیتی به فعالیت دیگر بپردازند ، نباید نگران بود ، این امر عادی است . اصرار بر پشتکار ممکن است مانع رفتار سازنده و یا باعث رفتار مخرب شود .
- ۳- نزاع زیاد اتفاق می افتد ولی معمولاً کوتاه است و به سرعت فراموش می شود . حتی الامکان کمتر مداخله کنید . در صورت اجبار به مداخله ، به جای نقش داور و خاتمه دهنده دعوا ، به ارائه راه حل های دیگر بپردازید .
- ۴- آگاهی از نقش جنسی شروع می شود .

خصوصیات عاطفی

- ۱- کودکان کودکستانی عواطف خود را آزادانه و آشکار ابراز می کنند . بروز ناگهانی خشم نیز فراوان است . احتمال بروز ناگهانی خشم وقتی بیشتر است که کودکان خسته یا گرسنه باشند یا با مداخله بیش از حد بزرگترها روبرو شوند . (گودیناف ، ۱۹۳۱)
- ۲- کودکان قبل از دبستان به دلیل روبه رویی با بسیاری از موقعیتهای جدید و عجیب و هم چنین به دلیل داشتن قوه تخیل فعال ، ممکن است ترسهای زیادی داشته باشند که بعضی از آنها بسیار غیر منطقی است
- ۳- حسادت در بین همکلاسان در این سن تقریباً عادی است ، زیرا کودکان در این دوره عواطف شدیدی درباره معلمان خود دارند و فعالانه به دنبال تاییدند . به همه یکسان توجه کنید و مراقب باشید که تشویق کردن یک کودک موجب رنجش کودکان دیگر نباشد . مراقب باشید که از این ویژگی کودکان برای خبرچینی استفاده نشود .

خصوصیات ذهنی

- ۱- کودکان کودکستانی مهارت خوبی در زبان دارند . بیشتر آنان صحبت کردن به ویژه در برابر گروه را دوست دارند . دادن وقت مساوی تدبیر خوبی است ، اما بسیاری از کودکان به کمک نیاز دارند که شنونده خوبی باشند .
- ۲- قدرت تخیل و خلاقیت در این دوره به اوج می رسد . اغلب مردم این استعداد را با افزایش سن از دست می دهند ، باید پرورش آن را تا حد ممکن در این گروه سنی تشویق کرد . با وجود این بعضی از کودکان ممکن است چنان خیال پرداز باشند که بین واقعیت و تخیل فرقی قائل نشوند که این امر می تواند به مشکلات سازگاری در کودک بیانجامد . باید میان خیال پردازی در این گروه سنی و دروغ گویی تمیز قائل شد .

دوره اول ابتدایی : ۶ تا ۹ سالگی**خصوصیات بدنی**

- ۱- کودکان این سن هنوز هم بیش از حد فعال هستند و چون برای اولین بار مجبور می شوند که به صورت نشسته فعالیت کنند ، انرژی خود را به شکل عادات عصبی چون جویدن مداد ، مکیدن انگشت ، بیج دادن مو صرف کنند .
- ۲- کودکان این دوره نیز به زمانهایی برای استراحت نیاز دارند ، زیرا در نتیجه فعالیت‌های بدنی و فکری زود خسته می شوند .
- ۳- کنترل عضلات بزرگ هنوز بر عضلات کوچک برتری دارد . برای اکثر کودکان به ویژه پسرها ، کارکردن با مداد با اشکالاتی همراه است .
- ۴- چشمها تا حدود هشت سالگی به انطباق کامل نمی رسند . بیشتر کودکان این دوره در تمرکز بر اشیا و یا نوشته های کوچک مشکل دارند .
- ۵- بیماریهای عمومی دوران کودکی غالباً در این سنین پیش می آید .

۶- فعالیتهای بدنی کودکان در این سن بیش از حد است و از کنترل بدنی خوبی برخوردارند. اطمینان قابل ملاحظه ای به مهارتهای خود دارند که اغلب باعث می شود تا خطرات فعالیت های جسورانه خود را کمتر از آنچه هست پیش بینی کنند

خصوصیات اجتماعی

- ۱- کودکان در این مرحله در گزیدن دوستان خود سختگیری بیشتری می کنند. آنها احتمالا یک دوست صمیمی کم و بیش دائم دارند و ممکن است یک دشمن نیمه دائم نیز داشته باشند. مراقب نزاعهای دیرپا باشید.
- ۲- کودکان سالهای آخر این دوره، به بازیهای سازمان یافته در گروههای کوچک علاقه مندند، ولی ممکن است به قواعد بازی بیش از حد اهمیت دهند.
- ۳- دعوای هنوز هم بسیار است و در آنها کلمات بیشتر از تهاجم بدنی به کار می رود، ولی بیشتر پسرها همچنان به مشت زدن، گلاویز شدن و هل دادن می پردازند.
- ۴- رقابت کودکان افزایش می یابد و لاف زدن معمول می شود. کودکان را به رقابت با خودشان تشویق کنید. کودکان را تشویق کنید که بازنده های خوب و برنده های متواضعی باشند.
- ۵- پسران و دختران در کارهای مدرسه و بازی علائق متفاوتی نشان می دهند. مقدار این تفاوت به طور قابل ملاحظه ای متغیر است.

خصوصیات عاطفی

- ۱- کودکان این سن تدریجا از احساسات دیگران آگاه می شوند. متاسفانه، این باعث می شود که با انگشت گذاشتن بر نقاط حساس دیگران آنها را به شدت بیازارند، بدون این که تشخیص دهند که حمله آنها تا چه اندازه می تواند مخرب باشد. گاهی اذیت کردن یک کودک، سرگرمی یک گروه می شود، مناسب است به طور خصوصی با رهبر گروه صحبت کنید.
- ۲- دانش آموزان دوره ابتدایی به انتقاد و تمسخر حساسند و ممکن است در پذیرفتن شکست با مشکلاتی روبرو شوند، کودکان این سن به تشویق و توجه زیاد نیاز دارند.
- ۳- کودکان این دوره علاقه دارند که معلم را خشنود کنند. دوستدار کمک کردن هستند، از مسوولیت لذت می برند و مایلند تکالیف خود را خوب انجام دهند.

خصوصیات ذهنی

- ۱- کودکان این دوره علاقه زیادی به یادگیری دارند.
- ۲- در این سن کودکان حرف زدن را دوست دارند و مهارتشان در آن به مراتب بیش از نوشتن است. آنها علاقه وافری به پاسخگویی دارند و معمولا این کار را بدون توجه به دانستن جواب صحیح انجام می دهند. بر خلاف دوره دبیرستان، تذکر مکرر این که نوبت را رعایت کنند و شنونده خوبی باشند ضرورت دارد.
- ۳- وقتی کودکان قدرت لغات را کشف کنند، از کلمات رکیک استفاده می کنند. آنها می دانند که دیگران در مقابل این طرز صحبت کردن عکس العمل نشان می دهند، ولی دقیقا نمی دانند که چرا چنین است. بهترین روش، نشنیدن کلمات رکیک است اما اگر تکرار شود، صحبت با رهبران گروهها می تواند مفید باشد. گفتن قاطعانه این که این کلمات برای شنونده خوشایند نیست و نباید به کار برده شود کفایت می کند، ورود به چرایی ناخوشایند بودن این کلمات توصیه نمی شود.
- ۴- مفاهیم صحیح و ناصحیح به تدریج توسعه پیدا می کند. ابتدا این مفاهیم به اعمال خاصی مربوط است و به تدریج عمومیت پیدا می کند. مفهوم عدالت به نظر بزرگ می رسد و شکایت از این که "این حقه بازی است"، "این نامردی است" کرارا به گوش می رسد. میل به لو دادن دیگران ممکن است بخشی از جریان توجه شدید به قوانین باشد. چون درک مفاهیم انتزاعی برای این گروه سنی دشوار است، بهترین راه کمک به این کودکان در زمینه درک مفاهیم اخلاقی، هنگامی است که آن عمل در حال اتفاق افتادن باشد.

دوره دوم ابتدایی و اول راهنمایی: ۹ تا ۱۲ سالگی**خصوصیات بدنی**

- ۱- نزد بیشتر دختران و آن عده از پسران که بلوغ را زود تر آغاز کرده اند ، جهشی در رشد دیده می شود . دختران بین سنین یازده تا چهارده سالگی ، به طور متوسط بلندتر و سنگین تر از پسرهای هم سن خود هستند . (اولسون و هیوز ، ۱۹۵۰)
- ۲- غالب دخترها به بلوغ جنسی می رسند . خصوصیا ثانوی جنسی تدریجا ظاهر می شود . توجه و کنجکاوای در مورد جنسیت ، مخصوصا بین دخترها ، تقریبا همگانی است . چون بلوغ جنسی به سازگاریهای شدید و جدی بیولوژیکی و روانی نیاز دارد ، کودکان نگران و کنجکاوند . بدیهی است که که سوالات مربوط به جنسیت ، نیازمند پاسخ های درست و منطقی است . لازم است با بهره گیری از منابع و افراد صاحب صلاحیت ، به سوالات کودکان پاسخ داده شود .
- ۳- هماهنگی ظریف حرکتی ، بسیار خوب است ، بنابراین کارکردن با اشیا کوچک برای بیشتر کودکان لذت بخش است .
- ۴- رشد استخوانها هنوز کامل نیست و از این رو استخوانها و رباط های کودک تحمل فشار زیاد را ندارند . به هنگام زورآزمایی پسران ، آنها را به رقابتهایی که متضمن مهارتهای هماهنگ است تشویق کنید . در بازیهای گروهی ، پستهایی که نقش خسته کننده دارند ، مثل هافبک را نوبتی کنید .
- ۵- پسرها قدرت و تحمل زیادی پیدا می کنند و از بازیهای خشن چنان لذت می برند که گاهی به خود صدمه می زنند . نمایش های مردانگی پسرها تا موقعی که بیش از حد هیجانی و غیر قابل کنترل نشده است ، بهتر است نادیده گرفته شود . به هر حال بهتر است برای آنان دلایل خطرناک بودن و یا احمقانه بودن برخی از این بازیها گفته شود . پسرها را تشویق کنید که مردانگی خود را در بازی و ورزش نشان دهند .

خصوصیات اجتماعی

- ۱- گروه همسالان تدریجا مقتدر تر می شود و به عنوان منبع اصلی استانداردهای رفتاری و تشخیص پیشرفت جانشین بزرگسالان می شود . گاهی کودکان تمایل دارند که خود را در گروه نشان بدهند . . برای مثال دست به زدنی از مغازه ای بزنند .
- ۲- علایق دخترها و پسرها ، به تدریج تفاوت بیشتری پیدا می کند . نزاع بین دو جنس احتمالا به صورت توهین به یکدیگر ، رقابتهای درسی ، ورزشی و غیره در می آید .
- ۳- بازیهای گروهی مورد توجه قرار می گیرد و روحیه کلاسی قویتر می شود .
- ۴- شیدایی و قهرمان پرستی در این سن معمول است . گاهی معلم بت شاگردان است . فوتبال ، تلویزیون ، نوارها ، هنرپیشه ها نیز از این موارد هستند . آنان در مورد احساسشان جدی هستند ، تمسخر و یا به شوخی گرفتن احساس آنان غیرعقلانه است .

خصوصیات عاطفی

- ۱- تضاد بین مقررات گروهی و قوانین اجتماعی ممکن است ایجاد اشکال کند و برای مثال به بزهکاری نوجوانان بیانجامد . شرح حالهای فردی نشان می دهد که " بزهکاران حرفه ای " غالبا " اولین بزهکاری خود را در این سن و برای مورد تایید قرار گرفتن همکلاسان " انجام داده اند .
- ۲- کودکان این سن قادرند نسبی بودن موقعیتهای را در نظر بگیرند و بپذیرند که قوانین و مقررات ، مطلق نیستند ، بلکه سلسله اعمالی پیشنهادی هستند .

خصوصیات ذهنی

- ۱- مودکان دوره دوم ابتدایی تقریبا درباره همه چیز کنجکاو هستند ، اگر در میان اشیای زیادی قرار بگیرند ، سریعا از یک شیء به شیء دیگر توجه می کنند . اگر کودکی از یک موضوع به موضوع دیگری می پرد ، الزاما به معنای عدم نظم فکری نیست ، در این سن کودک باید در فعالیتهای زیادی شرکت کند تا بعدا در یکی از آنها که راغب تر است تخصص پیدا کند . اجبار کودک به ادامه کاری که مورد علاقه اش نیست ، توصیه نمی شود .

- ۲- بسیاری از کودکان این دوره برای خود استانداردهای بسیار بالایی تعیین می کنند و به کمال گرای تمایل دارند . در بسیاری از موارد ، ناتوانی در رسیدن به این استانداردها باعث احساس حقارت و گناه در کودک می شود . مناسب است کودک را به کوشش تشویق کنیم .
- ۳- کودکان این دوره می خواهند بیشتر مستقل باشند ، ولی در عین حال به راهنمایی و پشتیبانی بزرگسالان نیاز دارند و خواستار آند . این دمدمی مزاجی می تواند به رفتارهای غیرمنظم ، غیرقابل پیش بینی و یا نامناسبی منجر شود و تحلیل را دشوار کند . بهترین توصیه این است که تا حد ممکن صبور باشید .

دوره راهنمایی و اول دبیرستان : ۱۲-۱۵ سالگی

خصوصیات بدنی

- ۱- در شروع این دوره ، اکثر دختران به پایان رشد سریع خود می رسند ، ولی رشد سریع پسرها معمولاً تا کلاس هشتم یا نهم کامل نمی شود احتمالاً فراز و نشیب هایی خواهند داشت . بعضی از پسرها در عرض یک سال حدود ۱۲ سانتیمتر به قد و ده کیلو به وزنشان اضافه می شود .
- ۲- همه دخترها و بسیاری از پسرهای این دوره عملاً به سن بلوغ رسیده اند و از این رو ، خصوصیات ثانویه جنسی در آنها به طور دائم و فزاینده ای آشکار می شود . آن چه درباره آموزش جنسی دوره قبل گفته شد ، در این دوره مصداق بیشتری دارد .
- ۳- احتمالاً در دوره نوجوانی ناشی گری هایی در رفتار پیش می آید - هم به دلیل آگاهی فرد از خود و هم به دلیل رشدی سریع و ناگهانی - و توجه فرد به ظاهر خود به مقدار زیادی افزایش می یابد . پسرها و دخترها ، هر دو کوشش می کنند تا ظاهر آراسته و مرتبی داشته باشند و اگر احتمالاً در این کار مهارتی ندارند ، با قوه تخیل و افکار افراطی خود ، آن را به خوبی جبران کنند . به منظور حفظ جو تحصیلی بهتر است به آرامی ولی قاطعانه توضیح بدهید که کلاس شما سالن آرایش و مد نیست .
- ۴- اگرچه سلامت کلی نوجوانان از خصوصیات این دوره است ، ولی رژیم غذایی و استراحت بسیاری از دانش آموزان دوره اول دبیرستان ناکافی است .

خصوصیات اجتماعی

- ۱- گروه همسالان تدریجاً منبع قوانین عمومی رفتار تلقی می شود . تعارض بین قوانین رفتاری همسالان و بزرگسالان ، که تا اندازه ای ناشی از تغییرات فرهنگی بیست و پنج سال اخیر است ، زیاد می شود .
- ۲- نوجوانان دوره راهنمایی به هماهنگی با دیگران نیاز دارند ، زیرا علاقه مندند که چیزی از جمع و به ویژه گروه خود باشند . در ارتباط با این گروه مشکل این است که باید بتوانیم بین چیزی که صرفاً برای این که متفاوت باشد ، متفاوت است و چیزی که متفاوت بودن آن بیان فردیت است تمیز قائل شویم .
- ۳- دانش آموزان به آنچه دیگران در مورد آنها فکر می کنند ، توجه زیادی دارند ، از این رو دوستی ها و دعواها شدیدتر می شود و ممکن است بهترین دوستان ، به مثابه محرم اسرار ، جایگزین والدین شوند .
- ۴- دختران در این دوره سنی از پسران هم سن خود اجتماعی ترند ، از این رو ، با پسرهای مسن تر از خود که از لحاظ رشد با آنها برابرند ، دوستی می کنند . متقابلاً بسیاری از پسران جوانتر سعی می کنند رشد کم و عدم اعتماد به خود را با مسخره کردن و انتقاد پر سروصدا پنهان کنند .

خصوصیات عاطفی

- ۱- دانش آموزان این سن احتمالاً متلون و غیرقابل پیش بینی اند . قسمتی از این مشکل به دلیل تغییرات زیستی مربوط به بلوغ جنسی است و قسمت دیگر به علت سردرگمی خود فرد از این است که آیا هنوز کودک است یا دیگر بزرگ شده است .
- ۲- رفتار خشونت آمیز دانش آموزان ، احتمالاً ، به دلیل پنهان کردن عدم اعتمادی است که به خود دارند .

- ۳- خشم و غضب ناگهانی در نوجوانان تقریباً عادی است. غالب این خشمها در نتیجه ترکیب تنشهای روانی، عدم تعادل زیستی و خستگی جسمی است. خستگی جسمی به علت فعالیت بیش از حد، نداشتن رژیم غذایی نامناسب یا خواب و استراحت ناکافی به وجود می آید. معمولاً یک نوازش مختصر، تغییر موضوع بحث و شروع فعالیت جدید راه های خوبی برای فرونشاندن خشم های غیر منظم و اتفاقی است. در صورت مداومت خشمها مشورت با پزشک ضرورت دارد.
- ۴- نوجوانان، احتمالاً به دلیل عدم اعتماد به خود، به بی حوصلگی و خود رایی تمایل دارند. فکر این که پاسخ های مطلق وجود دارد که فقط آنها از آن مطلعند، برای نوجوانان نوعی اعتماد به نفس ایجاد می کند.

خصوصیات ذهنی

- ۱- دانش آموزان از این سطح ذهنی می توانند مقدار زیادی از مفاهیم انتزاعی را یاد بگیرند و از این رو اصول اخلاقی و معنوی را بهتر درک می کنند. در این دوره با تعبیرات تحریف شده مفاهیم انتزاعی چون: دموکراسی، آزادی و امثال آنها مواجه می شویم، به جای مسخره کردن و یا رد کردن اشتباهات، فردی باشید که در روشن کردن این مفاهیم، صبور، دلسوز و بدون تعصب است.
- ۲- اگرچه فراختای توجه دانش آموزان دوره اول دبیرستان می تواند کاملاً وسیع باشد، احتمال گرایش به خیالبافی نیز هست. آنها را به خیال پردازی های مفید درباره آینده تشویق کنید که متضمن سوالاتی مانند نوع شغل مورد علاقه دانش آموز، شرایط رسیدن به این شغل و غیره باشد.

دوره دبیرستان: ۱۵-۱۸ سالگی

خصوصیات بدنی

- ۱- رشد بدنی غالب شاگردان کامل می شود. درنهایت، همه به بلوغ می رسند. اگرچه تقریباً همه دخترها به حداکثر میزان قد خود می رسند، رشد قد بعضی از پسرها احتمالاً تا بعد از دیپلم نیز ادامه می یابد.
- ۲- تغییرات بدنی ناشی از بلوغ موجب می شود تا دانش آموزان دبیرستانی شبیه بزرگسالان شوند، تشخیص این که تغییرات چندانی در رشد بدنی پیش نخواهد آمد، احتمالاً به خود آگاهی نوجوان می افزاید.
- ۳- چون دانش آموزان دبیرستانی اهمیت زیادی به ظاهر خود می دهند، تمایل شدید آنها به این امر می تواند باعث آشفتگی هایی در کلاس شود.
- ۴- بلوغ جنسی حاصل می شود و به تغییراتی در غدد و عدم تعادل منجر می شود. بر اساس تحقیقات کینزی (۱۹۴۸) کشش جنسی پسرها در شانزده و هفده سالگی به اوج می رسد. کشش جنسی شدید و فرصتهای بسیار کم برای ارضای آن، از عوامل نگرانی بسیاری از جوانان است. تغییرات غددی، اغلب، به نشانه های بدنی مانند جوش منجر می شود که به کمک رژیم غذایی مناسب و معالجات پزشکی قابل درمان است.

خصوصیات اجتماعی

- ۱- گروه همسالان بر زندگی دانش آموزان حکم فرمایی دارد و تضاد بین مقررات گروه همسالان و بزرگسالان دایماً افزایش می یابد. برای انطباق و هماهنگی با گروه همسالان، فشار زیادی بر نوجوانان وارد می شود.
- ۲- دخترها هنوز هم از نظر اجتماعی رشد یافته تر از پسرهای هم سن خود هستند و سعی دارند با دیگران دوستی کنند. تعداد دوستان صمیمی دختران چندتایی بیش نیست و پسران دوستان بیشتری دارند که فاقد صمیمیتی نظیر دختران هستند.

خصوصیات عاطفی

- ۱- طغیان نوجوانان بیانگر تغییر و تبدیل آنها از کودکی به بزرگسالی است. در جوامع ابتدایی وقتی پسری از عهده آزمایشها و مهارتهای خاصی بر می آمد، مرد شناخته می شد، ولی در جوامع کنونی نوجوانان باید تسلیم فرایند آشفته کوشش و خطا بشوند

تا به همسالان ، والدین و خودشان ثابت کنند که بزرگ شده اند . به همین دلیل ، نوجوانان (مخصوصا پسران) برای نشان دادن رشد خود غالبا احساس می کنند که باید با اقتدار بزرگسالان به مقابله برخیزند .

۲- غالب نوجوانان ، به دلیل افزایش حس استقلال ، با والدین خود در تضاد دایمی هستند این نوجوانان ، احتمالا ، برای همدردی و مشورت به شما مراجعه می کنند .

خصوصیات ذهنی

۱- نوجوانان این سن از حداکثر کارایی هوشی برخوردارند ، اما دانش و توانی آنها در به کار بردن آنچه می دانند ، به علت فقدان تجربه ، محدود است . چون یادگیری بسیاری از موضوعات تنها از طریق تجربه است ، دانش آموزان احتمالا در فهمیدن مفاهیم انتزاعی همچنان مشکلاتی خواهند داشت و ممکن است در درک کامل جنبه عاطفی داستانها ، نمایشنامه ها و شعر توانایی لازم را نداشته باشند .

۲- وقتی دانش آموزان تشخیص دهند که با توجه به مسائل اخلاقی ، سیاسی و مذهبی به یک "فلسفه زندگی" نیاز دارند ، ممکن است احساس خطر کنند ، ولی در عین حال این خود برای بحثهای هدایت شده بهترین فرصت است . (بیلر ، ۱۹۷۴ . صص ۱۳۹-۱۹۸)

اجتماعی	بدنی	اجتماعی	عاطفی	ذهنی	روندها
کودکستان	فعال ، کنترل عضلات بزرگ ، استخوانهای نرم ، پسرها بزرگتر و دخترها رشد یافته تر	دوستیهای قابل تغییر ، گروههای کوچک و کم سازمان یافته ، نزاعهای بی شمار ، بازی نمایشی ، آگاهی کم از نقش جنسی	بیان آزادانه عواطف ، ابراز خشمهای متعدد ، ترس و حسادت معمول است .	علاقه به صحبت کردن ، تخیل روشن و فعال	استقلال رای در برابر دو دلی ابتکار در برابر احساس گناه گفتار خود محور تفکر پیش عملیاتی شناخت تجسمی
دوره اول ابتدایی	فعال ، کنترل عضلات بزرگ ، رشد ناقص چشمها ، مستعد بیماریها ، حداکثر میزان سوانح و اتفاقات	دوستیهای انتخابی بیشتر ، فعالیت در گروههای کوچک ، نزاعهای بیشمار ، ظهور رقابت	حساس به احساسات و انتقادات و تمسخر شدن ، نیازمند تشویق و تمجید ، مشتاق خشنود کردن	مشتاق یاد گیری ، علاقه به محبت ، پیدایش مفاهیم درست و نادرست	سازندگی در برابر احساس گناه گفتار اجتماعی شده واقع گرایی اخلاقی تفکر عینی ، شناخت تجسمی توانایی هایی در استفاده از تفکر انتزاعی و نمادی
دوره دوم ابتدایی	رشد سریع ، آغاز یلوغ در برخی دخترها ، هماهنگی حرکتی ظریف ، ترکیب و شکل ناموزون ، استخوانها و رباطهای نرم ، پسرها بازیهای خشن را دوست دارند .	سن جدایی " گروه بازی " دو جنس ، بازیهای گروهی ، پرستش قهرمانان	تضاد بین مقررات گروه همسالان ، بزرگسالان ، خصوصیات منش ظاهر می شود .	کنجکاوی ، علایق گسترده و احتمالاً کمال کرای ، خواهان استقلال همراه با حمایت و راهنمایی	سازندگی در برابر احساس حقارت گفتار اجتماعی شده نسبی گرایی اخلاقی عملیات انتزاعی شناخت نمادی
دوره راهنمایی	رشد سریع و بلوغ جنسی و نگرانی درباره وضع ظاهر ، ناشیگری های دوره نوجوانی ، محدودیت استقامت و بردباری بدنی و ذهنی	گروه همسالان همه کاره می شود ، نیاز به همنوایی ، دوستیها و منازعات شدیدتر می شود ، دختران از لحاظ اجتماعی پیشرفته ترند .	بد اخلاق ، غیر قابل پیش بینی ، دودمی مزاج ، احتمالاً خودرای ، ناشکیبا ، عیبجویی از بزرگسالان	قادر به مواجهه با بعضی از مفاهیم ، تمایل به خیالبافی ،	هویت یابی در مقابل آشفتگی نقش گفتار اجتماعی شده نسبی گرایی اخلاقی عملیات انتزاعی شناخت نمادی
دوره دبیرستان	رسیدن به بلوغ بدنی ، پیامدهای بلوغ جنسی ، دستپاچگی	گروه همسالان همه کاره است ، توجه به جنس مخالف ، نیاز به همنوایی	طغیان نوجوانانه ، تضاد با والدین ، دمدمی و غوطه ور در افکار خود	نزدیک به حداکثر توانایی ذهنی اما بی تجربه ، به دنبال فلسفه زندگی و حس هویت ، تضاد با نقش جنسی و هویت شغلی	مانند دوره قبل

Aranjani.Org